نیمدشب از مرکزولایت گریخت ومجاهدین کنرها مشترکاً با پیروزی کامل داخل مرکزولایت گردیدندوفتح بزرگ از سوی خالق متعال بدمسلمانان ارزانی گردید.

جهاد درکامدیش نورستان :

منطقه‌نورستان شرقی یکی ازحساس‌ترین مناطق در ولایت کنربه‌شمارمیرود. این منطقه‌به‌فاصله‌بیش‌از صدو پنجاه‌کیلومتربا پاکستان هم سرحدمیباشدوتوسط واخان ازچین جداساخته‌شده‌است. درین منطقه‌ازنگاه‌ملکی یک ولسوالی ویک علاقداری وجوددارد. مردم منطقه از چگونه‌گی اوضاع دیگرگون درکشوربه‌ویژه‌ازنظریات حزب دموکراتیک خلق به‌خوبی مطلع بودند. برای قیام علیه نظام دهری جرگه‌های قومی درکامدیش وبرگمتال صورت گرفته‌بود. حکومت دردوموضع نیروی کافی مستقرساخت. یکی درکامدیش ودیگری درعلاقداری ناری ـ منطقه‌سرحدی بریکوت وپایگاه‌نظامی که‌اسمار دوموضع فوق را پشتیبان بود. هنگامیکه‌دهریون قدرت را به‌دست گرفتنددرولسوالی کامدیش حرکات وکارهای غیرشرعی وخلاف روحیهٔ مردم از آن ها بروزنمودکه‌انزجارعمیق دربین مردم بار آورد. آن ها روزه‌ماه‌مبارک رمضان را به‌باداستهزا گرفتند و پرده‌وناموس داری را دربین خودبه‌رسوایی کشانیدند. از سوی دیگراوضاع خونین دره‌پیچ ونورستان مرکزی تحریک

جها درا تسریع بخشید . مسلمانان دردوازدهم ماه میزان ۱۳۵۷ ه.ش . به‌پا خاستند . با یک حمله برق آسا علاقداری برگمتال را فتح نمودند . درکا مدیش ولسوالی به محاصره کشیده شد . خبر جنگ درمنطقه به مرکزکشوررسانده شد .بمباران شدید به منطقه نورستان آغاز یافت . مجاهدین درک نمودندکه طولانی شدن جنگ درخودکا مدیش اوضاع را به ضررشان میکشاند ، لهذا به مرکزولسوالی حمله‌ورشدند ، که پس ازبرخوردشدیدولسوالی فتح شدو غنیمت به‌دست مجاهدین افتاد . مردم منطقه ، به‌مجردفتح ولسوالی به طرف سرحدداری بریکوت به‌حرکت شدند . قوتهای دشمن را درعرض راه به‌شکست دچار ساختند ، دربا غچه‌چهارکیلومتری سرحداری بریکوت مرکزگرفتند . نقاط حساس اطراف بریکوت را به‌تصرف خودگرفتند ، حمله‌بر بریکوت صورت گرفت ، دشمن یک غندتقویه‌شده‌راازاسمار به بریکوت سوق داد . پس ازجنگ خونین مجاهدین به مرکزجهادبرگشتند .

به‌پا خاستن مردم نورستان شرقی حکومت تره‌کی را به‌تشویش انداخت . این کیفیت ازچندنگاه قابل تشویش بود ، نخست هم سرحدبودن منطقه‌وپخش گردیدن اوضاع جنگ به‌زودترین فرصت ازاین راه به‌جهان خارج بود ، از سوی دیگرارتباط مردم باقبایل داخل وخارج منطقه وانمودشده میتوانند . این همه‌جنبه‌واقعیت به‌خودگرفت .

تره‌کی به‌شکل عصبانی وبه‌تأسی ازخصلت‌قوم‌پرستی خودتلاش ومساعی فراوان به‌خرج دادتا مجاهدین منطقه‌را

سرکوب نماید. ماهرین روس را بدان وا داشت که کماند و های ورزیده خودرا بدان جا اعزام بدارند. چنان که کماندوهای کشته شدهٔ کیوبایی نیز در نورستان دیده شدند.

درطول زمستان سال ۱۳۵۷ جنگ خونین در دره های نورستان شرقی دوام یافت. دشمن با مقاومت شدید مجاهدین روبروگردید. درمرحله یی ازجهاد درکشور، بکا مدیش نورستان منحیث چشم امیدبه آینده جنبش مسلمانان علیه دشمن نگریسته شد، دشمن با وصف سوق عساکرورزیده وبمباردمان شدیدنتوانست پیشرفت قابل ملاحظه یی به دست آورد. دشمن ناچار به نیرنگ وتاکتیک موءثرمتوسل شد، عناصرخاین وبی شعورمنطقه را بصفت ایله جاری از عقب منطقه وپیشاپیش قشون سرخ به جنگ سوق داد. این را هنمایان خودفروخته به سبب آشنایی با محیط نورستان و بلدبودن راهها وارا ضی، دشمن را درحمله به کامدیش کمک نمودند. درطول زمستان سال ۱۳۵۷ درا بتدا دبلندیهای پتیگل، میردیش، کامو، دمنی، گوهردیس ومندیش جنگ های خونین رخ داد وبه هردوطرف تلفات سنگین وارد گردید. مجاهدین سلاحهای نسبتا کافی به دست آوردند، صحنه عکاسی ازین جنگها با رنخست ازسوی خبرنگاران داخلی و خارجی به جهان پخش گردید. تره کی همه گی جنگهای خونین وشکستهای شرم آورخودرا در درهٔ پیچ ازجهانیان پنهان داشته بود. وی، مدعی بودکه به صورت کلی براوضاع در کشورحاکم است، مگرصحنه های خونین جنگ در نورستان

شرقی وانعکاس یافتن آن به جهان خارج، رسوایی تره کی را درهمان نخستین سال قدرت برملا ساخت .

لشکرایله جاری ازهرسوبه داخل دره های نورستان از عقب حمله ورشد، مجاهدین درجبهات جنگ قرار داشتند . ودردهات ، پیران، زنان وکودکان باقی مانده بودند ، خطرناموس وقتل عام ازعقب ازسوی عناصرملیشیایی مجاهدین را به تشویش انداخت . نیمی ازمجاهدین جهت دفاع ازدهات به عقب رفتند . دشمن به این صورت راه پیشرفت خودرا به طرف کامدیش بازنمود .

درنیمه دوم زمستان سال ۱۳۵۷ مردم نورستان بنا برفشارازسوی دشمن راه مهاجرت را به چترال در پیش گرفتند . هجرت مردم نورستان دربن مرحلهٔ حساس و سرمای شدیدیکی ازغم انگیزترین صحنه ها درتاریخ جهان است . کودکان زیاد درنتیجه سرما جانهای خودراازدست دادندودرنتیجهٔ تأثیرسوء برف درکوتلهای بلند انگشتان دست وپایی بسیاری، ازبین رفت . دشمن درماه دلوکامدیش، مرکزولسوالی راگرفت ، درحدود ۲۵ قریه ازسوی عناصرایله جاری ودشمن طعمهٔ آتش گردید .

درنتیجه پیشرفت دشمن تاکامدیش مجاهدین راجع به سازمان جهادی وتاکتیکهای جنگی که بایستی پس ازآن علیه دشمن درپیش گرفته شودتپ وتلاش به خرچ دادند . به زودی مرکزجهادراازباغچه به قریه مندگل نقل دادند . برنامهٔ جنگ نیزموردتجدیدنظرقرارداده شد . حد فاصل

دفاع دربرابر دشمن به‌عس ۱ ... سفر به‌طول ۸ کیلومتر ازکشتوز تا چسکوتشبیت گردید . مجاهدین، سنگرهای دفاع را علیه دشمن مستحکم ساختند . از طرف کمیته دفاع پروگرام جنگ چریکی درعقب دشمن درطول سرک بین بریکوت وکا ـ مدیش ترتیب داده شد . ازسوی دیگر جرگه‌های سیار بنده پارون وقریه‌جات ثوکی، هلگل ودرین اعزام گردید که جهت شرکت درعملیات ودفاع دربرابر دشمن تشریک مساعی نمایند .

عملیات چریکی مجاهدین درطول زمستان ۱۳۵۷ قابل یادآوری است . مجاهدین پارون ازنورستان وسطی در موسم زمستان شدیدازکوههای سربه‌فلک وپوشیده از برف عبورنموده به‌جبهه‌کامدیش آمدند . با مجاهدین منطقه عملیات چریکی غیرقابل فراموش شدنی به‌سررسانیدند . ازسوی دیگرزمستان شدیدکامیابیهای جنگی دشمن و اکمالاتش را درکامدیش محدودساخته وحتی ازبین برد ،لذا دراواخرماه‌حوت قوماندان قطعه‌عسکری ازمرکز طالب هدایت شدتا دربرابر حملات مجاهدین وگرسنه‌گی افراد قطعه چه‌چاره‌کنند ؟ ازمرکزدستورصادرگردیدکه‌هرچه میتوانند با رهبران سازمان جهادی منطقه به‌تماس آمده کامدیش را تخلیه‌نموده دربریکوت جابه‌جا شود . ودرین راه هرتوطیه‌و فریب کاری که‌میتوانندبه‌کاربندند . درین فرصت ازمجا ـ هدین درین وهلگل وثوکی خبررسیدکه‌راه بین اسمار و بریکوت را موردتهدیدقرارداده‌با عملیات چریکی پی در

پی آن را مسدود نمودند. همین بود که قوماندان مستقر در کامدیش نیرنگها به کاربرد، تا دربین رهبران جهاد اختلاف نظر رخ داد. برخی گفتند وقتی که قوماندانان با ما، پیمان میکنند که در بریکوت به مجاهدین پیوسته علیه حکومت جهاد مینمایند با این پیمان موافقت کنیم و زمینه تخلیه او را فراهم سازیم. از سوی دیگر یک عده مردم مهاجر به چترال رفته نتوانسته در دهات به مشکل غذا و مسکن دچار شدند یک حالت مجبوریت نیز در بین است. یک عده رهبران و قوماندانان گفتند که دشمن ما را فریب میدهد، بریکوت را مستحکم مینماید. چند روز دیگر ثبات کنیم، عملیات را تشدید بخشیم، دشمن درین جا مجبور است تسلیم گردد. گروه طرفدار عقد پیمان غلبه حاصل نمودند زمینه تخلیه قوا را از کامدیش به قوماندانان فراهم ساختند و بریکوت تقویه شد. مسأله تسلیم شدن در بین نبود موضوع عقد پیمان با قوماندان قطعه دشمن مستقر در کامدیش یکی از پیچیده ترین مسأله خیانت و تذویر در جهاد منطقه به شمار میرود. پس از تخلیه کامدیش از سوی دشمن مسایل پیچیده در نورستان بروز نمود، زیرا دشمن بنا بر حساس بودن منطقه و پیش قدمی مردم در جهاد عناصر فعال کی،جی،بی، را در کامدیش نورستان جا بجا نموده بود. دشمن در ماه حوت کامدیش را تخلیه نمود، مرکز جهاد دو باره به باغچه در ۵ کیلومتری بریکوت منتقل شد. قوماندانان جهاد پیشنهاد نمودند که به زودی ترتیب حمله به

بریکوت گرفته شود . به این منظور درشورای رهبری جهاد فیصله به عمل آمد که مجاهدین ازکامدیش نورستان به دره سین بروندیا با مجاهدین دره سین پیوسته یک جبهه عقبی تشکیل دهندتا بریکوت وعلاقداری ناری ازدوطرف مورد تهدیدواقع گردد، چنین شد . درماه حمل درحدودچار صد نفرازمجاهدین نورستان شرقی به دره سین آمده ، با مجاهدین منطقه یکسازمان جهادی به وجودآوردندوچندین حمله بالای ناری وبریکوت به عمل آوردند. شکری و انچگل دوپوسته قوی دشمن تسخیرگردید ، در قسمت شالیکوټ حمله موفقانه به عمل آوردند ، دریـن حملات چندین مجاهدین شهیدوزخمی شدند .

سال ۱۳۵۹ مسأله اختلاف درنورستان کسب شدت نمود ازسوی دیگردگروال سرورنیزبه نورستان داخل شد . دگروال موصوف ازسوی مردم نورستان خواسته نشدبه هر مقصدومرامی که بودشخص موصوف باوعده و وعیدازپاکستان بدان منطقه اعزام گردید . ازسال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۵ه . ش . مردم نورستان بنابرنفوذ عناصرکی،جی،بی، ازراه سروروظهوراحزاب درمنطقه به اختلاف وجنگهای داخلی دچار گردیدند . خانه جنگیها درمنطقه زخمهای عمیق والتیام ناپذیرازخود ، به جاگذاشت . ورزیده ترین قوماندانان وجوانان هم کشته شدندویک عده قوماندانان مجاهدین نیزدرجهاد ولایت بدخشان شهیدشدند ،مجاهدین نورستان چندین باردرجهاد بدخشان شرکت ورزیدند .

درماه جدی سال ۱۳۶۵ هـ.ش . حمله موءفقانه از سوی مجاهدین به پوسته‌های جلوی قوه دشمن در بریکوت صورت گرفت . دو پوسته دشمن تسخیر گردید ، مگر عده زیاد مجاهدین بنا بر انفلاق مینها جام شهادت نوشیدند . در سال موصوف مجاهدین منطقه با تشریک مساعی مجاهدین دره‌سین در سقوط علاقداری ناړی شرکت ورزیدند . درنیمه اول سال ۱۳۶۷ مجاهدین منطقه با دیگر مجاهدین احزاب در عملیات علیه بریکوت شرکت نمودند . درین عملیات ۳۲ مجاهد که از آن جمله ۱۰ نفر از نورستان بودند به شهادت رسیدند . بریکوت از سوی مجاهدین فتح گردید . سقوط بریکوت مقدمه شکست دشمن در ولایت کنرها بود که بالاخره منجر به سقوط مرکز ولایت کنرها گردید .

جهاد در دره‌سین :

منطقه دره‌سین بین شال وشنگر از غرب و ناړی بریکوت درشرق به دوطرف دریای کنرها واقع میباشد . ساو ، بزرگ ترین قریه درمنطقه بوده ، ناړی جوړ ، ساوخوړ ، کځگل و دره‌درین وځوکی از دره‌های مشهور منطقه‌یاد شده میباشند . قریه‌های ځونوک ، نیشه‌گام وبارگام ،ناړی، بریکوت ، پشنگروساو درقسمت ساحلی دوطرف دریای کنرها واقع می باشد . دره‌سین درجهاد کنرها سهم فعال دارد . مناطق درین وکځگل درسال ۱۳۵۷ هـ.ش . پس از قیام دره‌کامدیش

درنورستان علیه‌دشمن برخاستند. مرحوم محمدجعفرخان کثکلی نخستین قوماندان ازمشران دره‌کثکل بود که در همان سال به‌شهادت رسید. مجاهدین نیشه‌گام وبارگام ودرین خور نیز به‌طرفداری ازمجاهدین دره‌سین برخاستند. چون این قسمت ازلحاظ سوقیات وتدارکات به‌قشون متهاجم علیه‌نورستان وامنیت سرحد داری بریکوت خیلی مهم وحساس بودازروزهای نخستین قدرت تره‌کی موردوحشت و بربریت رژیم قرارگرفت ـ بمباردمان شدیددرحوالی دره‌به‌عمل آمد. درسال مذکوردشمن به‌نسبت تقویه‌امنیت وخطوط ارتباط پوسته‌های متعددازاسمارتا بریکوت به‌دو طرف دریای کنرها تأسیس نمود. مواضع را مستحکم ساخت. ناړی وبریکوټ به‌حیث پایگاه پخش تیوری و تبلیغات برگزیده‌شد. مجاهدین منطقه‌درسال ۱۳۵۸ ه.ش. باورود یک گروه ۴۰۰ نفری مجاهدین ازنورستان نظم جدیدی را به‌وجودآوردند. سازمان جهادی به‌نام آمریت جهاد اسلامی دره‌سین مسمی گردید. عملیات موءفقانه‌ازسوی مجاهدین دره‌سین به‌پوسته‌های جلوی دشمن در ناړی به عمل آورده‌شد. درحملات بعدی پوسته‌دشمن درمحل شکریت وانچگل وشالیکوټ هم ازبین برده‌شد. باتهاجم روس به افغانستان منطقه‌دره‌سین دوباره‌موردحمله‌قشون سرخ و دهریون قرارگرفت، مگرمجاهدین مبارزه‌خودرا دوام دادند. درحمله‌روسها دهات وهستی مردم به‌خاک یکسان شد، مهاجرت عظیم ازدره‌سین به‌سوی دیروجندول آغاز

یافت . مردمان ثوکی، هلیگل ودرین خوربه مغاره های کوهها ودرون جنگل پناه گزین شدند. پس از سال ۱۳۵۹ هـ. ش . نفوذ احزاب طوری که دردیگر مناطق روبه گسترش یافت درین قسمت از کنرها نیز بیشتر گردید. مبارزین در طول سالهای ۶۰-۱۳۶۷ هـ.ش . حملات موفقانه وکمرشکن چریکی را علیه دشمن به عمل آوردند. دشمن بنا برحملات مجاهدین منطقه، حمله های متعددهوایی به درین خور، هلگل و ثوکی ومریت نیز به عمل آورد. حملات مذکوردهات این دره را خیلی متأثرساخت دشمن درنظرداشت که مجاهدین دره را بی جا نموده امنیت قطار را برقرار سازد. مگردشمن در ین پلان خود، کامیاب نشد. مجاهدین دردرون دره ها پناهگاه ساخته هجرت نکردند. چندین بار قطار دشمن دربین اسمار وبریکوت از بین برده شد. این عملیات سبب شکست دشمن گردیده، ارتباط زمینی بین اسمار وبریکوت قطع گردید. موقف دشمن دربریکوت روبه کاهش نهاد، درنهایت مجاهدین دره سین با دیگربرادران مجاهدخود، درفتح بریکوت درتابستان سال ۱۳۵۹ هـ.ش . سهم فعال گرفته منطقه را آزاد نمودند.

جهاد دراسمار ودره داگام :

درین دره قسمت زیاد نفوس را قوم سالارزی تشکیل می دهد. به درجه دوم ماموند ومشوانی زنده گی میکنند. ...

نگاهی به پس منظر جهاد

جهاد در ولایت کنرها جنبه تاریخی دارد، هم از لحاظ نشأت وهم از رهگذر سیر و دوام. آغاز جهاد در ولایت کنر سرآغاز جهاد در کشور به شمار میرود. این جنبش نه ماهیت ماجراجویی وزودگذر را داشت ونه یک جهش آنی بود. بلکه جنبشی بود دفاع از حق وآزادی....... در دهه اول ماه سرطان سال ۱۳۵۷ آغاز یافت. یک جزوتام خورد عسکری دشمن در منطقه شیگل از طرف شب به یک خانهٔ حمله ورشد. برای دشمن خبر داده شده بود که چند نفر از مجاهدین در آن خانه پنهان می باشند، درنتیجهٔ حملهٔ ناگهانی دشمن، زدوخورد به وقوع پیوست، یک مجاهد به شهادت رسید ودیگران نجات یافتند.

وذهنیت های قبایلی دربین باشنده‌گان این منطقه به کم وکاست خود، موجوداست . بخشی ازاقوام ذکر شده‌در آن سوی خط ډیورندحیات بسرمیبرند . مسلمانان منطقه موصوف حملات وحشیانه‌تره‌کی را به‌دره‌نورستان به‌چشم سر دیدند . حرکات ناموزون عناصرکمونیستی در درون ساز-مانهای شان ازنظرها پنهان نبود . به‌جنبه‌های عنعنوی وشخصیتهای قابل سپاس قومی تمسخرمیورزیدند . چون تماس قوم باخارج وداخل وسیع بودپرده‌اسرارازچگونه‌گی نظام دهری درکابل برای شان روشن گردید . بر حسب معیارهای قبایلی به‌ترتیب جرگه‌های دهات پرداختند - چون اسماربه‌حیث پایگاه‌نظامی وستراتیژیک در منطقه خیلی قوی بودودرعلاقداری دانگام نیزقوت عسکری و امنیتی مستقربوډوازسوی دیگردرمواضع دند ، لیتی وبنشی نیزبه‌سویه‌کندک وتولی قوه‌عسکری جابه‌جا گردیده بود لذاقیام مردم علیه‌دشمن مستلزم آماده‌گی بیشتر و رسیده‌گی دقیقتربود . تابستان سال ۱۳۵۷ به ترتیب آماده‌گیهای جهادتاحدی به‌صورت سری وتشکیل یک سازمان واحدجهادی گذشت . حکومت بنابرحساس بودن منطقه از نگاه‌موقعیت ، قوه‌عسکری وارتباط با قبایل فعالیت زیادوپیهم به‌عمل آورد . قسمتی ازمشران قوم رافریب داد . زمستان سال مذکوربرای مجاهدین منطقه‌به خاطر قیام علیه‌دشمن فرصتی خوبی نبودزیرازمستان خیلی شدیدبودوبرف باری درکوهها راه‌عبورومروررامسدود

ساختەبود . مع الوصف ، مردم منتظرقیام بودند . تا آن کەدرنیمەدوم زمستان سال موصوف یک عدەازمشران قوم درقسمت گوریگا تشکیل جلسەدادەروی موضوع جهاد بحث نمودند ، جلسەفیصلەنهایی رادرجرگەدوم موکول نمود . جرگەدومی درمردان ترتیب شد . درجرگەفیصلەنمودند کە قیام قبل ازفرارسیدن سال ۱۳۵۸ بایدآغازیابد یک هیأت فرعی جهت ملاقات باحضرت صاحب مجددی زعیم جبهە ملی درپشاور ، برگزیدەشد . باعودت هیأت موصوف در پایان ماەحوت قیام ادرەدانگام آغازیافت . در ین فرصت مجاهدین سەقریەخوکی، درین وهلگل پس از بین بردن پوستەهای فرعی نیشەگام وبارگام درمقابل اسمار سنگرگرفتند . مجاهدین درەدانگام بەزودی قوتهای دشمن رادرعلاقداری دانگام ازبین بردندومتوجەقطعات سرحدی واقع بنشی، لیتی ودندگردیدند . درتابستان سال ۱۳۵۸ ه.ش . قوتهای مذکورازبین بردەشدند ،آنگاەنوبت بەاسماررسید . دراسماریک صاحب منصب عسکری بەنام عبدالروءف خان عهدەدارقوماندانی قطعەرابەدوش داشت. اوشخص معتقد ، دلیرومیهن دوست بود ، بەاین متیقن بودکەنظام ترەکی یک نظام کمونیستی ودست نشاندەروس است . درصددتدبیروتصامیم انقلابی شد . نخست همەگی عناصربرجستەکمونیست بەسویەرهبری رادرولایت باچال و توطیەخاص ازبین برد . آنگاەمتوجەپلان حرکات علیە دشمن باعملیات نظامی گردید . مجاهدین درەدانگام بە

اطراف پایگاه اسمار سنگرها ساخته فشار وارد آورده بودند.
درتابستان سال ۱۳۵۸ قوماندان موصوف پلان انقلابی خود را عملی ساخت. با تمامی قوا و مهمات خود، از اسمار بر خاست ودرطول شیگل وشنکورک موضع گرفته وبدین ترتیب خودرا به صف مجاهدین قرارداد. این عمل انقلابی قوماندان دلیروفرزندراستین سرزمین ما، درسراسر کنر ها جشن گرفته شد. واقعا قرارگرفتن قاطعانه این قوماندان درمسیرجهاد وتأثیرآن دردرون قوه عسکری، ازنتایج قابل ملاحظه یی برخوردار بود. پلان حمله بر مرکزولایت باتشریک مساعی قوماندان موصوف وقوماندانهای مجاهدین دره پیچ، مرور، دره سین واسمار ترتیب گردید. عبدالرؤف خان، به صفت قوماندان عمومی حمله درصف جلوی عساکر و مجاهدین قرارگرفت، فیرتوپهای هاوان وبتریه به مرکز ولایت آغازیافت، درشیگل افراد حزب اسلامی فعال بود. ازسوی دیگرعناصرکی،جی،بی، درمنطقه ودرون قطعه عسکری فعالیت میکردند، با تأسف درآوانی که قوماندان مصروف عملیات به مرکزبود ازعقب افراددستوری حزب و عناصر دشمن علیه قوت عسکری قوماندان قیام نموده قوه را با پرسونل، مهمات وسلاح چوروچپاول نمودند. حرکت مجاهدین جهت گرفتن مرکز، به ناکامی منجرگردید. یک محشر غیرقابل پیشبینی درمنطقه برپا شد. نزدیک بود جنگ داخلی رخ دهد. قوماندان مانع شدوخودرا نجات داده واز منطقه بیرون شد، چگونه گی جریان این خیانت بزرگ و

تأ ثیرا ن با لای جها دوسرنوشت کشوردرا ین جا گنجا یـــش بحث ر ندا رد ، ا ین لکه بزرگ ودا غ ننگین درقیا م مردم منطقه برا ی نسل آ ینده قا بل تدقیق ا ست .

پس ا زچپا ول قوه دگروا ل عبدا لروء ف خا ن، مأ یوسیها وپرسشها ی نوین را جع به جها دوتحریک کننده گا ن جها د به میا ن آ مد . پس ا زتـها جم ا رتش سرخ درزمستا ن ۱۳۵۸هـ . ش . بها فغا نستا ن، ا سما ربا ردیگرموردحمله تجا وزگرا ن روسی وکمونیستا ن دا خلی قرا رگرفته به خا ک وخون یکسا ن گردید . وا ین منطقه دوبا ره با یک مقدا رزیا دسلاح ثقیلـــه به دست دشمن ا فتا د . مها جرتها ی بزرگ ا زمردم منطقـــه آ غا زیا فت ، دشمن به طرف دره دا نگا م متوجه شدـ بمباران شدیدوپیهم دوا م پیدا کرد ، دشمن تا بریکوت پیش رفت و قریه ها ی دوطرف دریا ی کنرها ودره ها ی حسا س را به خا ک هموا رنمود ، یکی ا زنتا یج زودرس وتأ ثـربا رتوطیه اسمار وچپا ول قوه دگروا ل عبدا لروء ف ، هما نا سقوط دو با ر ه منطقه به دست دشمن ووخیم شدن ا وضا ع وپا یین آ مـــد ن مورا ل جها دی درآ ن جا بود .

با فرا رسیدن سا ل ۱۳۵۹ هـ.ش . وسقوط دوبا ره اسمار به دست دشمن نقش ا حزا ب درمنطقه بیشترگردید ، به جا ی نظم وا حدقومی، آ مریتها ی متعددا حزا ب رویکا ر شدند ، درهمه دره ها ی کنرها همین وضعیت حکمفرما گردید . این بار مجا هدین مجبورگردیدندکه ا زکمپها ی خوددربا جور ،دیر و جندول برا ی جها دبه منطقه بیا یند . طوری که دردیگر دره

های کنرها صورت گرفت . پس از مدتی نظمهای مجاهدین به رهبری احزاب پشاوردر منطقه تشکل یافت ، عملیات چریکی علیه دشمن دوباره آغاز یافت . درسال ۱۳۶۱ هـ.ش وسالهای ۶۳-۱۳۶۵ هـ.ش . چندین قطار دشمن درطول دره اسمار ودره میین منهدم گردید . درنهایت مجاهدین موءفق شدندکه ارتباط زمینی دشمن را بین اسمار وبریکوت قطع نمایند . همچنان دردره دانگام فعالیت مجاهدین به سوی اسمار شدیدترگردید ، چندین حمله دشمن درقسمت سیان ، گوریگا به عقب رانده شدودشمن موءفق نگردیدکه دوباره قطعات سرحدی رادرطول دیورندجا بجا کنند . در منطقه رفته رفته اوضاع ازنگاه تشدیدجها دبه مفادمجاهدین تغییرخورد . درین فرصت دشمن ازچال ونیرنگ دیگر کار گرفته دربین مردم با توزیع پول فراوان تولیدنفاق را درپیش گرفت . آشتی ملی وآتش بس یک جانبه را به رخ مردم کشید ، نجیب با بیحیایی وپر رویی گفت که تره کی وببرک کمونیست بودند . ما ، نیستیم . ما ، مسلمان و پشتون هستیم . کسانی که درپشاوررهبری میکنندبازیچه ء انگریز ، امریکا وچین هستندوما وشما را به برادرکشی می کشانند ، مگردرپشت پرده به آدم کشی وشبیخون پرداختند. مجاهدین منطقه فریب نخوردند ، همین بودکه بریکوت سقوط کردودراوایل ماه میزان ۱۳۶۷ هـ.ش . دوباره اسمار به دست مجاهدین افتادومسلمانان منطقه ازین فتح بزرگ ودرخشانی دوباره به مسلمانان ارزانی گردید ، جشن

گرفتندوسپا سگذا ری نمودند، به ارواح شهدای وطن درود وسلام فرستادند.

جهاد درشلتن وشیگل :

درشلتن وشیگل تحریک علیه حکومت درزمان جمهوریت مرحوم محمدداوء دنیزا زسوی چندنفرشناخته شده پیش برده میشد. که یکی ازآن ها شخصی معروف به داکترشلتن بود. پس ازکودتای بدنام هفت ثور ۱۳۵۷ درتابستان همان سال قوای حکومت ازطرف شب قریه شلتن را محاصره نمود. هنگام که درسپیده دم مردمان برای برپا نمودن نمازبرخاستند خودرا درحال محاصره دشمن دیدندافرادنظامی به خانه داکترشلتن ودونفردیگرحمله بردند، پس ازتلاشی سلاح و مهمات درخانه داکترموصوف یافتند، اورا با یک دو نفر دیگردستگیرنموده بردند، دیگر ردپای شان معلوم نشد. پس ازین عملیات قوه ازقریه بیرون رفت. گرچه در طی این عملیات کدام برخوردخونین بوقوع نپیوست مگر تأثیرآن، درسراسردره وقبایل خیلی ناگواروتوهین آمیز تلقی گردید. مردم را علیه حکومت دست نشانده برانگیخت جرگه های قومی برای تحریک جهادونظم ونسق مجاهدین به فعالیت آغازنمودند. هنگامی که دشمن درشیگل به عملیات پرداخت مجاهدین دره شلتن نیزبه سوی دشمن گلوله باری نمودند، حملهٔ دشمن با ردوم به اسارمجاهدین

شلتن را به‌حرکت وا داشت . درعملیات دوم دشمن به‌شیگل مجاهدین هردودره علیه دشمن به‌جنگ خونین پرداختند (۱۳۵۹) .

درنتیجه‌برخوردشدید درلړم کڅ، دشمن مستقیماً به شلتن حمله‌ورشدوبا بمباردمان شدیدبه‌سوی چوگان و سنو ازسوی دشمن به‌عمل آمد . درمواضع مستحکم درشیگل به داخل دره‌شلتن آتش توپخانه‌دشمن شدیدترگردید ، هجرت قوم ماموندازدره‌شلتن بیش ازپیش به‌سوی باجوړ صورت گرفت . قریه‌شلتن به‌کلی ازبین برده‌شد ، مجاهدین منطقه‌درسنو وچوگان برای دفاع مواضع خودرا مستحکم ساختند . مراکزجهادی ازلړم کڅ ودرمیروقریه‌شلتن به دره‌های فوق منتقل گردید . درطول سال ۶۶–۱۳۶۰ هـ. ش. حملات چریکی علیه‌دشمن دوام یافت . درمنطقه شیگل چندین باردشمن موردحمله‌چریکی مجاهدین منطقه‌معروض گردید . منتها درحمله‌خونین تابستان سال ۱۳۶۷ هـ.ش . ازسوی مجاهدین منطقه‌به‌منظورتسخیرموضع مستحکم‌شیگل، مسلمانان شلتن وشیگل قربانی جانی ومالی بیشتری را متحمل گردیدند . موضع مستحکم یادشده‌فتح گردید و در حدود ۱۹ نفرشهیدبه‌جاگذاشت ، فتح شیگل ازکارنامه‌های قابل وصف مجاهدین درجها دکنرها به‌شمارمیرود .

جهاد در دره مرور :

دره مرور از چندنگاه از حساس ترین مناطق در ولایت کنرها به شمار میرود . نخست آن که دره مرور به مرکز ولایت نزدیک میباشد ، دوم موجودیت یک پایگاه مستحکم عسکری به نام خان غندی در آن محل از نگاه دفاع مرکز ولایت دارای اهمیت است وعامل سومی نیز خیلی نزدیک بودن دره موصوف به سرحد دیورند میباشد . درپایگاه عسکری خان غندی یک کندک تقویه شده جا به جا شده بود و به قسم دفاع قیچی وار علیه مجاهدین دره پیچ درحمله به مرکز ولایت نقش مهم بازی کرد . . یک موضوع حساس دیگر موجودیت نفاق در بین مردم این قبایل از سالهای دیرین مبنی برطرفداری یا عدم طرفداری از حکومت مرکزی در کابل زد . حکومت دهری از ین نفاق قوم بهره گیری کافی نموده همواره آن را توسط عمال خوددامن زد . گروه طرفدار حکومت تا مرحله آخر به طرفداری حکومت دهری مقاومت نشان دادند . مسایل یادشده درراه تکمیل جرگه های قومی راجع به جهاد دشواریهای فراوان بار آورد . با وصف همچو دشواریهای درونی مجاهدین دره به جهاد برخاستند . درسال ۱۳۵۸ هـ.ش . علاقداری مرور را تسخیر نمودند ، مجاهدین پس از فتح علاقداری ، به خان غندی متوجه گردیدند . با حملات پیهم این موضع مستحکم را موردتهدیدقرار

دادند، مگر درنتیجه آتش باری توپخانه دشمن که در سیستم دفاعی قیچی واربین خان غندی وجغان به وجود آورده شده بود تسخیر موضع یادشده ممکن نشد. در زمستان سال مزبور چندین برخورد بین دشمن ومجاهدین در درون دره موصوف صورت گرفت، مجاهدین دشمن را از تپه های فرعی بالاتر ازخان غندی بیرون راندند. غنیمت های حربی ولوژستیکی به دست مجاهدین افتاد. خونین ترین جنگها ی که بین دشمن ومجاهدین دره درسال موصوف صورت گرفت درموضعی به نام ما رانومینحی، بودکه افراد زیاد از دشمن کشته شدوسلاحها ی خفیف ونسبتا ثقیل به دست مجاهدین افتاد. درین جنگ ازسوی مجاهدین نیزتعدادی به شهادت رسیدندوزخمی شدند. دشمن تا قریه ها ی پتاو و عجب شاگی پیشرفت نمود. مسلمانان دره راه مهاجرت را درپیش گرفتند، باردیگر بین مجاهدین وعساکر دولت دست نشانده کابل جنگ خونین رخ داد، دشمن ازقسمتها ی فوقانی دره موصوف به عقب رانده شد.

درسال ۱۳۵۹ ه.ش. با تهاجم روسها به افغانستان حملات مجاهدین سرازنوتشدیدیافت. به جای نظم واحد قومی سازمانها ی احزاب رویکارگردید. در تابستان سال ۱۳۵۹ حمله شدید دشمن باکوماندوی هوایی به درون دره صورت گرفت. اموال وآبادی مردم منطقه به کلی از بین برده شد. مهاجرت دومی ازمردم به سوی باجور به وقوع پیوست.

دربین سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۲ هـ.ش . حملات متقابل چریکی به‌وقوع پیوست . درسال ۱۳۶۳ وسال ۱۳۶۵ هـ.ش . دشمن حملات شدیدزمینی وهوایی درمنطقه به عمل آورد . جهت تقویه‌دفاعی ونظارت متقابل درمنطقه‌درتپه غندی یک پایگاه مستحکم هوایی وزمینی به‌وجودآورد .مجاهدین دره‌درسال ۱۳۶۷ هـ.ش . درموسم زمستان حمله‌شدیدبالای موضع مستحکم یادشده به‌عمل آوردند، جنگ خونین صورت گرفت . پس از زدوخوردشدیدودوام دارمجاهدین مستقیما به موضع مستحکم فوق حمله‌ورشده‌آن رافتح نمودند، این یک پیروزی قابل ملاحظه‌بود . ومقدمهٔ سقوط دشمن در منطقه به‌شمارمیرفت . مجاهدین دره‌مرورپس ازسقوط اسمار درماه‌میزان متصل باسقوط مرکزولایت خان غندی رافتح نمودندوپیروزی نهایی رابابیرون راندن دشمن‌ازمنطقه به‌دست آوردند .

جهاد دره‌های گنجگل وناوه‌گی :

متصل باقیام مردم دره‌مرورمجاهدین مناطق گنجگل وناوه‌گی دربرابردشمن قیام نمودند . درسال ۱۳۵۸هـ.ش. دشمن قریه‌گنجگل راموردآتش باری قرارداد . مجاهدین دره‌های موصوف متفقاً بالای قطعه‌دشمن واقع سرکانی‌حمله ورشدند . مجاهدین به‌دشمن تلفات زیادوارد‌نمودند . در سال ۱۳۵۹ هـ.ش . دشمن مستقیماً به‌دره‌گنجگل و ناوه گي

درین زدوخوردکه‌تا سپیده‌دم دوام نمودیک صاحب منصب حکومت دهری نیزکشته‌شد. فردای آن روز، دشمن قطعات خودرا به‌داخل دره‌شیگل سوق داد.

قریه‌های نزدیک، به‌شمول موتی ولچی وغیره‌مورد حملات شدیددشمن قرارگرفت. مردم منطقه‌بنا براین حمله شدیدوناگهانی، مجبوربه‌هجرت گردیدند. ازکوههای سر به‌فلک کشیده‌که‌هنوزازبرف پوشیده‌بودعبور نموده به نورستان مرکزی رسیدند. این حرکت بی رحمانه دشمن، مسلمانان منطقه‌دره‌پیچ ونورستان رابرانگیخته‌ساخت، بنابرآن به‌سازماندهی جهادخودشدت بخشیدند. دشمن خواست که‌درولسوالی دره‌پیچ نیزقبل ازسازمان یافتن جهاد، عناصرتحریک کننده‌ٔ آن راگرفتارنماید. به این منظوردونفرازسرشناسان منطقه‌ازقریه‌های مانوگی و ولوتنگی به‌حکومت محلی خواسته‌شده‌سپس گرفتارگردیدند. دونفردستگیرشده‌به‌موترعسکری به‌سوی مرکزولایت سوق داده‌شدند، درعرض راه‌موترجیپ عسکری حامل سران مجاهدین، ازسوی مجاهدین موردهدف گلوله‌باری قرار گرفت. بنابرهمین گلوله‌باری یکی ازصاحب منصبان توسط جیپ دیگربه‌قریه ننگلام که‌حیثیت مرکزتحریک را داشت ــ مواصلت ورزیدوکلمات فحش وزشت علیه‌مردم‌قریه به‌زبان راند. یکی ازمجاهدین اورا موردهدف گلوله قرارداده‌نقش برزمین ساخت. فردای آن، دشمن قطعات تازه‌دم به‌مرکزولسوالی دره‌پیچ سوق نمود. مجاهدین

وبا روگی سوقیات شدیدزمینی وهوایی به عمل آورد. در گنجگل تلفات زیاد به مجاهدین واقع شد. دربین سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۶ ه.ش. مجاهدین منطقه درحملات متعددچریکی خودقطارتدارکاتی دشمن وقطعه مستقردرسرکانی را خساره مندساختند. وحتی کار به جایی رسیدکه مجاهدین درچندین حمله درگنجگل با دشمن به جنگ تن به تن پرداختند. در نتیجه حملات هوایی درقریهٔ موصوف ودره های ناوه گی و باروگی تلفات زیاد مالی وجانی به بار آمد، مگرتاسقوط ولایت کنرها فعالیت چریکی مجاهدین مناطق یاد شده خاموش نگردید. درحمله به خان غندی وسقوط مرکزولایت سهم فعالانه از سوی مجاهدین مناطق فوق صورت گرفت.

جهاد در دره های شنگوړی، ولی وشالی:

مناطق یادشده درقسمتهای پشدوخاص کنرمنتهی می گردند. درشنگوړی اوضاع اززمان جمهوریت مرحوم محمد داؤ دتاحدی آمیخته به آشوب بود. تحریک دربین قسمت حساس به سال قبل از ۱۳۵۷ ه.ش. نیزبرمیخورد. در آن زمان دردره موصوف سلاح توزیع شده بود. پس از ظهور نظام مارکسیستی درکشورتحت زعامت تره کی، مجاهدین شنگوړی برای قیام ازراه جرگه قومی اوضاع را بررسی کردند. مشران جرگه ها به مسلمانان منطقه وانمودساختند که اقتدارنوین درکابل، ازسوی روس برضداسلام وآزادی

مردم افغانستان، برکرسی نشانده‌شده‌است ، همین بود که مجاهدین شنکوری پس از بادیل درسال ۱۳۵۷ هـ.ش.قیام نموده‌بالای مرکزخلقیها درپشدحمله‌ورشدند . این عملیات مجاهدین به‌شالی و ولی نیزگسترش یافت و مجاهدین دره های موصوف درسال ۱۳۵۸ بالای قطعه‌عسکری حکومت دهری درخاس کنرحمله‌بردند . دشمن دردوطرف دریای کنر هـا قسمت غرب و مرکزولایت را به‌منظورتأمین امنیت راه تدارکاتی، بااحداث پوسته‌های جدیدتقویه‌بخشید .وقتی که‌تهاجم روس به‌افغانستان صورت گرفت پوسته‌های دفاعی وامنیتی غرب مرکزولایت هنوزهم تقویه‌یافته‌و مستحکم گردید .

روس درسال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ هـ.ش.به‌دره‌شنکوری وباـ روگی حمله‌بردودهات را ویران ساخت مسلمانان منطقه‌به هجرت مجبورگردیدند . مگرفعالیتهای چریکی مسلمانان مناطق یادشده‌درطول سالهای ۶۳ـ۱۳۶۶ هـ.ش . به شدت دوام نمود . درسال ۱۳۶۷ هـ.ش . درموسم تابستان عملیات شدیدمجاهدین بالای قریه‌پشدمرکزدهریون صورت گرفت ، تلفات شدیدبردشمن واردآوردندازسوی مجاهدین نیزخسارات قابل ملاحظه‌بود . بالاخره‌هنگامیکه‌مجاهدین مرکزولایت را به‌سقوط مواجه‌ساختندمجاهدین دره‌های یاد شده‌کنرخاص وپشدرامحاصره‌نموده‌درنیمه‌دوم ماه میزان ۱۳۶۷ هـ.ش . جهادرا به‌پیروزی رسانیدند .

جهاد دردره‌های باپیل، دیوه‌گل ومزار :

چنان که قبلا هم تذکرصورت گرفت حکومت دست نشانده‌درکابل درپلان عملیاتی خود درولایت کنر به‌حصص غرب مرکزولایت تاکتیک خاصی میذول داشت .این کیفیت ازچندین رهگذربود . نخست ومهمترین ازهمه‌امنیت راه تدارکات حربی ولوژستیکی بود، زیرا سرک دوطرف دریای کنرها مشرف به‌دره‌های تنگ بودکه‌در درون همچو دره‌ها، مردمان جنگجوومسلمانان با عقیده‌زنده‌گی میکردند . دو دیگروادی کنرها دربرخی حصص به‌اندازه‌تنگ ومساعد به عملیات چریکی بودکه‌مستلزم نظارت تام پوسته‌های قوی بود . مسأله‌سوم هم درگیری حکومت تره‌کی درحصص شرق مرکزولایت آن هم دردورترین قسمتهای دره‌پیچ ودره‌کامدیش نورستان بودکه‌باراول دربرابر کمونیستها درکشور مقاومت مسلحانه‌کردند . درگیری حکومت دردورترین حصص شرق مرکزولایت مستلزم آن بودکه‌قطعات مسلح در شرق مرکزولایت چون خان غندی، اسمار، بریکوت، کامدیش ما نوگی بایدپیهم ازنگاه عینیات حربی ولوازم‌لوژستیکی تکمیل گردد . ازین نگاه‌حکومت به‌سه‌دره‌این سوی دریای کنرها چون دیوه‌گل، باپیل ودره‌مزار توجه جدی داشته نگرانیهای زیاداز ین ناحیه‌محسوس میداشت .درین مورد تجارب تاریخی نیزدربین بود .

حکومت تره‌کی به این منظور درمرحله‌قبل از قیام مردم این سه‌دره‌چندین چال وتدبیررا به‌کاربرد. نخست یک عده‌بزرگان قوم را به‌طرفداری خودجلب نمودکه‌دارای ضعف نفس بودند. این بزرگان ضعیف النفس دربین قوم خودبه‌نفع دولت پوشالی کارکردند. ازسوی دیگرازنقاط دورقوتهای شبه‌نظامی (ایلجاری) تدارک نمود. تدبیر سومی هم ترتیب پوسته‌های قومی ومستحکم درطول سرک ومشرف به‌دهانه‌دره‌ها ونقاط حساس وکمین بود. به این حساب ازحصه‌نورگل گرفته‌تا علاقداری نرنگ بیش از ۵۰ پوسته‌حفاظتی وچندین پایگاه‌دفاعی تأسیس نمودند. منطقه‌از تپه‌تنردرکنرخاص وپایگاه‌شاباری ازدره پیچ و پایگاه‌سودروغندی درمرور، تحت نظارت ودفاع زمینی و هوایی قرارداشت. پس ازقیام علیه‌حکومت تره کی در نورستان مرکزی ودره‌پیچ دردره‌های غرب مرکز ولایت چون باډیل ودیوه‌گل جرگه‌های قومی برای سرو سامان دادن مجاهدین به‌جنبش درآمدند. جرگه‌های جهاد دربین دره‌ها به‌رفت وآمدپرداخت، مشاهده‌منظره‌وحشتناک آتش سوزی قریه‌ننگلام‌ دردره‌پیچ وآواره‌گی زنان، کودکان و پیران، وجدان وغرورمسلمانان این مناطق راجریحه‌دار ساخت، مگرچالهای دشمن وتمرکزقوت بیشتر دشمن، لمانان منطقه‌رابه‌تأمل بیشترواقدام موء ثرواداشت.
باوصف اوضاع نامساعدمجاهدین باډیل درتابستان سال ۱۳۵۷ ه.ش. به‌علاقداری نرنگ، حمله‌برده‌آن را فتح

نموده وعده یی ازعناصر کمونیست راازبین بردند . مگر دشمن به زودی توانست علاقداری را تسخیر نموده آن را تقویه نماید . حکومت به داخل دره با دیل حمله ور شد ، مجاهدین ازقسمتهای دهانه دره به حصص دورتر دره پناه برده به سازماندهی دوباره پرداختند . تماس با دیل ودیوه گل بیشتر گردید . درین فرصت دشمن دره با دیل را بمباردمان نمود . درآغاز سال ۱۳۵۸ ه.ش . مجاهدین هردو دره بالای ولسوالی چوکی حمله ورشدند . جنگ خونین رخ داد . درین حملات تا اندازه سلاح ومهمات به دست مجاهدین افتاد . حکومت ازقیام مردم دره های غرب مرکزولایت خیلی تشویش نمود ، حمله هوایی ، اعزام شبه نظامیان وقوتهای عظیم عسکری را درپیش گرفت . دره مزار ، دیوه گل و با دیل موردبمباردمان شدیدواقع گردید . مجاهدین در طول تابستان سال ۱۳۵۸ ه.ش . چندین بارقطاردشمن را ازبین بردند . درقسمت چناری قوت ایلجاری (شبه نظامی) دشمن را دستگیرنموده پس ازمذاکره طولانی بامشران شینوار وننگرهار دستگیرشدگان رارها نمودند . حکومت تره کی ازروی پلان بادارانش خواست جنبش مردم با دیل، دیوه گل ودره مزار رافرونشاند ، به این منظورقوه بزرگ را به دهانه دره ها جابه جا نمودوسیستم دفاعی قیچی وار را به دوطرف دریای کنرها تقویه بخشید . ازسوی دیگر یک قوت کماندویی تقویه شده را به درون دره ها ازدره مزار گرفته تا با دیل پیاده نمود . درزمستان سال ۱۳۵۸ ه.ش . ورور

های گرمی سال ۱۳۵۹ ه.ش ، جنگ شدید ، روسها در این جنگ ها از تاکتیکهای کماندویی وحملات هوایی توسط هلیکوپتر استفادهٔ وسیع نمودند ، از اثر این حملات مهاجرت از دره های موصوف صورت گرفت . ازدره پیچ کمکهای سلاح و مهمات به مجاهدین این مناطق مبذول گردید . افراد روس وحکومت دست نشانده در دره مزار ، دیوه گل و بادیل به شکست فاحش روبروشدند . درسالهای ۱۳۶۳-۱۳۶۵ ه.ش . روسها همچوحمله خطرناک را ازدره مزار رودرز دهانه دره های موصوف دوباره آغاز نمودند ، مگردرپلان خود ، که تخلیه دره ها ازمردم مجاهدیا تسلیم نمودن مردم بودکامیاب نشدند . درهمه گی این حملات مجاهدین مناطق باوصف این که ازسال ۱۳۵۹ ه.ش . به این طرف نظم واحدقومی را از دست داده دستخوش نفاق احزاب گردیده بودند ، در برابر دشمن وعساکر روس مقاومت شایان حیرت از خود نشان دادندو دره ها را تخلیه ننمودند . مجاهدین پس از جا به جا شدن درباجوردوباره به مناطق خود ، بازگشت نمودند و تحت نظمهای جهادی به جهادپرداختند .

درنیمه دوم سال ۱۳۶۷ ه.ش . پس ازسقوط اسمار و مرکزولایت ، مجاهدین دره بادیل ، دیوه گل ومزار بالای نرنگ ، خوکی ونورگل حمله ورشدند . دراواخرماه میزان سال مزبورولسوالی خوکی را فتح نموده منطقه را ازعناصر پلیددشمن پاک ساختندوفتح ولایت کنرها را کاملا" به پیروزی رساندند .

مناقشه اوضاع :

مسیر جهاد درکنرها از نگاه چگونه‌گی جریان ونشأت، به‌صورت مختصر گزارش یافت درین جا به این نکته باید ملتفت بود که تذکر جهاد به‌نام دره‌ها صورت گرفت . طور مثال جهاد در دره دیوه‌گل یا بادیل. به‌جای این جهاد در ثوکی یا نرنگ تذکر نیافت . همچنان جهاد از روی تقسیمات ملکی به‌نام ولسوالی ها نیز وانمود نگردید . این بدان معنی نیست که در قسمت هموار نزدیک حکومت مجاهدین وجود نداشتند یا مردم قسمتهای مزبور به‌کلی حکومت دست نشانده روس وقشون روس را تایید نموده در جهاد با مسلمانان سهیم نگردیدند، بلکه من، در جهاد افغانستان نشأت آن را مدنظر گرفتم. نشأت جهاد در افغانستان از دره ها ، روستاها ودهات دور افتاده آغاز گردید و به‌قصبات وشهر ها گسترش یافت ، به‌ویژه در کنرها چنین شد . جنگهای خونین نیز در دره‌ها صورت گرفت ، به‌همه‌گی معلوم است که جهاد درین ولایت از ثوکی، نرنگ ، پشد، ناړی، وته پور یا خاص کنر نشأت ننمود . مسلمانان جاهای متذکره پشتیبان وبرخی هم به‌صورت فعلی در صحنه عمل سهیم مجاهدین گردیدند . فداکاری مسلمانان موصوف چه در هجرت وچه در جهاد وچه در ارتباط وزمینه‌حلول مجاهدین به‌درون دشمن قابل یادآوری میباشد . نظر به‌این جهاد در مجموع خود

مختص و منحصر به یک منطقه یا قوم نیست ، برعکس محصول قیام و مبارزه خونین مسلمانان سرزمین ما ، وانمود شده میتوانند .

جهاد کنرها با نظرداشت عوامل نظامی وچگونه گی شکل مبارزه در دو مرحله موردبررسی با یدقرارداده شود . مرحله نخستین آن، مرحله پیش از تهاجم روس میباشد که از لحاظ نشأت وسیرخود ، طوری که درمنحنی مسیرجهاد دیده میشود تمایزخاصی از خودنشان میدهد . مرحله دومی، مرحله پس از تهاجم روس را به افغانستان تشکیل میدهد ، این مرحله درمنحنی مسیر ، خصوصیت دیگری ارایه میدارد .

مرحله پیش از تهاجم روس :

روس ازروی پلان مرتبه قبلی خویش ، درنظرداشت تا مرام خودرا با سازمان دموکراتیک خلق وقوه نظامی داخل کشورجامه عمل بپوشانند . به این منظوردرستراتیژی وتاکتیک عملیاتی خود ، دوهدف را درپیش گرفتند . این دوهدف خاصتاً درمراحل نخستین جهاد به شدت درپیش گرفته شد . ارعاب وقتل عام ، این دوچیزهدف عملیات جنگی در زمان تره کی ازسوی روسها بود . به این منظورهم عناصر نافهم جناح خلق را به قدرت نشاندند ، زیرا تره کی ، گلاب زوی و وطن جار ازکسانی بودندکه هیچ گونه فهم و درک اسلامی وملی درنهادشان وجودنداشت . برعکس

کسانی بودندکه‌قدرت طلب ، نژادپرست ، نافهم عاری ازشعورانسانی وغرورملی. باتمام معنی بازیچه‌دشمن و خنجرتیزوبرنده‌به‌دست روسهای وحشی، ازین نگاه جنگ جبهوی باآتش باری شدیدمتصل به‌آن قتل عام و آتش سوزی هستی مردم ازتاکتیکهای وحشیانه‌دورتره‌کی‌توسط خلقیها بود، چنانکه‌این عمل باربخست درکنرها در قتل عام قریه‌کراله‌به‌ظهورپیوست . متعاقب آن، آتش‌سوزی قریه‌ننگلام‌دردره‌پیچ ازاعمال غیرانسانی عناصر نظامی وسازمانی دور تره‌کی به‌شمارمیرود. ازتاکتیکهای خطرناک دیگرکمونیستها ازبین بردن عناصرتحریک جهاددر مناطق حساس کنرها بود. قبل ازآن که‌سازماندهی وتحریک وقیام صورت گیردعمل پیشدستی وخنثی نمودن نطفه های جهادی، پلان نظامی وسیاسی روس ودست نشاندگان دردوره‌تره‌کی بود. کمونیستها ازسوی روسها دستوریافته بودندکه‌مردم رادردهات باظلم وکشتارقبل ازآماده گی به‌قیام به‌انقیادوادارکنند. به‌زودترین فرصت در چند جاعمل وحشیانه‌قتل وچپاول وآتش‌سوزی راپیش گرفتند تامورال مردم راناتوان سازندوگرفتاری عناصر محرک جهادبه‌آسانی صورت گرفته‌بتواند. برای کمیته های عامل حزبی درولایات وولسوالی ها دستورصادرگردیدهرچه زودترشخصیتهای تحریک جهادرابه‌نظامیان معرفی کنند ودربین مردم ترس ووحشت ایجادکنندوشبکه‌جاسوسی را توسیع نمایند. برخی ازعناصرکمونیستی که‌به صورت

جاسوس به‌لباس مسلمان دربین مردم دردهات بودند
دستوریافتندکه‌در راه‌تحریک به‌جهادوظهورتحادم هر چه
زودتردربین مسلمانان وجزوتامهای نظامی فعالیت
موءثروسریع به‌عمل آورند. همچوعمل جاسوسان ناشناخته
ومنسوبین هیأت عامل حزب کمونیست تره‌کی از جهت
پیروزی عملیات نظامی مستقردرمناطق حساس بود. در
عملیات نظامی کنرها روسها تاکتیک دفاع قیچی وار را
درطول دوطرف دریای کنرها برقرارساختند، وطبیعت
وادی کنرها به‌این سیستم دفاعی دشمن موءثریت بیشتر
بخشید. برای تکمیل ونیرومندی سیستم فوق مواضع‌حاکم
برمناطق را به‌حیث پایگاه امنیت، نظارت، حملات
شبیخون وبمباردمان سریع ودوامدار به‌میان‌آورده مستحکم
ساختند. مواضع شاباز، پیروتنردرطول وادی ودره‌های
فرعی کنرها ازین جمله‌تأسیسات نظامی برای حمله‌ودفاع
وامنیت به‌شمارمیروند. ازتاکتیکهای خطرناک دشمن
درین مرحله‌اول، مین گذاری اطراف پوسته‌ها، پایگاههای
مستحکم ونقاط عبورومرورمجاهدین درسراسرکنرها بود.
این سیستم دفاع وامنیت دشمن خیلی ها موءثر واقع
گردید. بعدا درطول سرحدومناطق چراگاهها بمبهای خورد
به‌شکل قلم، گوگرد، آیینه‌به‌رنگهای مرغوب سبز، سرخ
درسراسرکنرها ازهوا توسط هواپیماها وهلیکوپترها فرو-
ریخته‌شد. فرش بمب ومین دراراضی دربین مجاهدین،
تلفات قابل ملاحظه‌به‌وجودآوردوتااندازه‌درتحرک و

منطقه هدف همچو عملیات دشمن را ملتفت شدند. دشمن در نظر داشت با چنین عملیات سریع و منفردانه هسته های تحریک جهادرا از بین بردارد و ترس و وحشت در منطقه به وجود آورد. در برابر این، مردم مجاهد منطقه به حرکت آمده جرگه های جهادرا، در دهات فعال ساختند. نخستین برخورد مجاهدین با دشمن در مرکز ولسوالی دره پیچ در دهم ماه سرطان سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. دشمن شکست خورد اما به زودترین فرصت با یک غند تقویه شده دوباره به دره حمله نمود. قریه ننگلام را که در حدود سه هزار خانوار بود مورد آتش توپخانه قرار داد و پس از آنکه مردم بی دفاع قریه را ترک گفتند دشمن آن را آتش زد و به خاکستر یکسان نمود. آن گاه دشمن سوقیات خود را به سوی دهانه دره وایگل نورستان آغاز نمود، مگر در قسمت شایلام پیش از آن که به دره موصوف داخل گردد از سوی مجاهدین به شکست شرم آور روبرو گردید.

آتش سوزی قریه ننگلام و بالاثر آن بیجا شدن بیش از ۱۵ هزار نفر اعم از زن، مرد، پیر و کودک، در منطقه، حالت آشوب و پریشانی قابل ملاحظه بار آورد. عده یی از مجاهدین در نورستان مرکزی جا یگزین شدند و قسمت بیشتری هم به سوی پاکستان راه هجرت در پیش گرفتند. این نخستین هجرتی بود که از کشور به سوی باجور به وقوع پیوست. قسمتی از مردم هم در دره رچلام و دره مسعود پناهنده شدند. متصل با آتش سوزی قریه ننگلام و شکست

پیش قدمی مجاهدین به پوسته‌ها و پایگاههای نظامی دشمن تاثیر منفی تولیدنمود. فرش مین وبمبها در اطراف مواضع ونقاط عبورومرورمجاهدین، ازاواخرسال ۱۳۵۸ه . ش . آغاز یافت ورفته‌رفته‌فزونی گرفت . درعملیات نظامی کنرها اسمار به‌حیث پایگاه ستراتیژیک مستحکم گردید . درسوقیات دشمن به‌نورستان دره‌کامدیش،ترتیب پلان وحرکات بزرگ نظامی به‌داخل دره ، ازین جا صورت گرفت . پلان وستراتیژی عملیات دشمن درکنرها ، درین مرحله‌پیروزی به‌دست آورده‌نتوانست . این هم بنا بر چندعامل بود . یکی عدم گنجایش دره‌های ولایت کنرها به جزوتامهای بزرگ وتقویه‌شده‌بود ، به‌عباره‌دیگر مساعد نبودن امکانات جنگ جبهوی، مانع پیشروی دشمن‌گردیده ضمنا باعث تلفات سنگین نیزگردید . دره‌های تنگ و راه های صعب العبورکنرها تنها برای روسها ودولت دست نشانده‌ٔ آن ها دردسرایجادنکرده‌است بلکه‌نمونه های تاریخی دیگری رانیزمیتوان سراغ کرد، مثلا" عملیات نظامی حکومت درسال ۱۳۲۴ ه.ش . برعلیه این منطقه‌به ناکامی انجامید . بنابران عملیات برق آسای دشمن با جزوتامهای بزرگ به‌خاطرسرکوب ونابودساختن مردم دراین دره‌ها محکوم به‌شکست گردید . واهداف دشمن بر آورده‌نشد . یکی دیگرازعواملی که‌موجب شکست روس در افغانستان گردیدمساًله به‌حساب نیاوردن قدرت مقاومت مردم، دربرابرقدرت مافوق وغیرقابل مقایسه‌دشمن بود.

روسها درمسأ لهٔ افغانستان حمله ۱۹۵۷ م. بر مجارستان و حمله ۱۹۶۸ م. برچکوسلوا کیا را معیار قرار دادند. یکی از نتایج وخیم جنگهای جبهوی دربرابر جنگهای چریکی فرسایش نیروی نظامی دولت درطی زمان دراز است. این عامل خیلی مهم ازسوی دشمن بنابرداشتن قوه نظامی مافوق وغیرقابل مقایسه، به آن درجه که لازم است به حساب آورده نشده بود. عامل دیگری که درین مرحله بضرر دشمن درساحه نظامی نقش قابل ملاحظه ازخودنشان داد، نفوذمبارزین را ه آزادی دربین کتلهٔ عوام و منسوبین عسکری بود. مقابله با دشمن درمرحله قبل ازتهاجم روس ازسوی مجاهدین گرچه ماهیت جبهوی داشت باز هم دربرخی موارد مجاهدین درسالهای ۵۷ــ۱۳۵۸ ه.ش. به چال وتاکتیکهای چریکی نیزتوسل ورزیدند. چنان که درجنگ دوامدار وخونین درنورستان کامدیش، پس ازمرحله جابه جا شدن دشمن درکامدیش، مبارزه ازسوی مجاهدین، شکل چریکی به خودگرفت. عملیات مجاهدین دردره با دیل و دیوه گل نیزدربرخی موارد ماهیت چریکی داشت. همچو حرکت چریکی موفقانه بود، این هم ازرهگذری بود که مبارزین دربین مردم وهمچنان دربین قوای دشمن زمینه قدرت حلول را دارا بودند. دشمن ازچگونه گی قدرت نفوذ وآمیخته گی مجاهدین دربین مردم وقوای عسکری به حد لازم واقف نبود. عناصرخلقی درین موردبا مبالغه و دور ازمطابقت به اوضاع مقامات رهبری حزب ودولت رافریفته

بودند . روسها نیزبه عین خطا روبروگردیدند . گرچه با مرورزمان ازاوضاع مطلع شدندوجهت مقابله با این اوضاع قتل عام کرالهرا به عمل آوردندمگر موقعیت ، نفوذ و اعتبار مجاهدین دربین مردم با ایجادفضای ترس وبیم از بین نرفت . آن عده از منسوبین عسکری که از ماهیت درونی نظام مارکسیستی درکشوربا خبربودند ،نمیخواستند که بی جا فدا شوند . دربرخی ازبرخوردها قوای عسکری یا بهزودی بهعقب نشست یا تسلیم مجاهدین گردید ، آن ها هیچ وقت ارتباط را ازمجاهدین قطع نکردند ،مگر دربرخی ازجنگهای خونین درمنطقهصاحب منصبان ترهکی، با عناد بیشتربا مجاهدین بهقتال پرداختند . درجنگهای منطقه علیهدشمن مجاهدین توانستندبا شناخت اراضی درمواضع حساس بهدشمن جملهورشدهنتیجهقاطع بهدست آورند یا ضربهمهلک حوالهنمایند . همچنان درترتیب پلان حملات عقبی بهدشمن وگسستن ارتباط وراهتداركات دشمن موءفقانهپیش رفتند . چنان کهدرطول جنگهای درهپیچ حمله مجاهدین بهدشمن درمحل تنتل وپیرونی، ازتاکتیکهای خساس وسنجیدهشدهبهشمار میرفت ،درحملات مجاهدین درهسین، درطول اسمار وبریکوت ، فعالیتهای چریکی مبارزین برقطارتداركات دشمن بهحدی موءفق گردیدکهنهایت راهتدارک زمینی مسدودگردید . فعالیت مجاهدین در غرب مرکزولایت پس از دیدوبازدیدقوماندانان ازمواضع همدیگروترتیب پلان مشترک موءثریت خودرا بیش از پیش

تزییدبخشید. راه تدارک دشمن بین سنگرها روکنر ها از داشتن امنیت قابل باوربرخوردارنگردید. دشمن در مواقع حساس از عملیات کماندویی نیزکار گرفت. مگر پسانها معلوم شدکه دشمن برای حمله بعدی خود، آزمایش ومانورهای تجربوی را به‌جا میاورد. راجع به مرحله اول جنگ مجاهدین با دشمن، میتوان موضوع را به‌نکات ذیل خلاصه نمود:

۱- ستراتیژی دشمن درجنگ برق آسا جهت سرکوبی مجاهدین به‌ناکامی منجرگردید. جرگه‌های قومی برای جهاد درین موردنقش قاطع بازید.

۲- دشمن درمنطقه به‌خصوص درجنگهای جبهوی دره پیچ ودره‌کامدیش نورستان، به‌صورت فاحش شکست خورد. این شکست نخستین دشمن، بالای مورال مجاهدین تأثیرمثبت وغرورآمیزبارآورد.

۳- جنگهای دوامدارعساکردولتی وشکست آن درنورستان شرقی یعنی کامدیش، به‌زودی به‌جهان خارج منعکس یافت وبه‌این صورت جهان اسلام وغرب، متوجه جنگ آزادیبخش افغانستان گردیدند.

۴- دشمن باتأسیس دفاع سیستم قیچی وارومین گذاری، مواضع خودرا بیشترتحکیم بخشید.

۵- دوام دادن جنگ ازسوی حکومت تره‌کی، به‌داخل دره نورستان - کامدیش، یکی ازخطاهای قابل ذکرحکومت دست نشانده ازلحاظ سیاسی نیزبه‌شمار میرود.

مقاومت متداوم مردم منطقه علیه دشمن مسیر جهاد را گسترش بخشید .

۶ـ مجاهدین دربرقراری جرگه های جهادوسازماندهی آن، درشرایط دشوار وغیرمترقبه موفق گردیدند .

۷ـ سازمان رهبری جهاددرترتیب پلانهای تاکتیکی و تطبیق آن درساحه جنگ ، ازکفایت تام برخوردار بودند .

۸ـ عملیات چریکی متداوم مجاهدین درمناطق غرب مرکز ولایت موفقیت آمیزبود . همچنان دردره سین قطارهای دشمن ازسوی مجاهدین نابودگردیدند .

۹ـ مجاهدین دربین مردم وقوت عسکری دارای ارتباط و نفوذواعتبار بودندواین کیفیت درکامیابی مجاهدین درجنگ ، عامل مهم محسوب گردید .

۱۰ـ باگذشت زمان ارتباط مجاهدین دربین مردم رو به کاهش گذاشت ونفوذ دشمن توسط گماشته گانش وهم ـ چنان ضعف نفس برخی ازمشران وقوماندانان تزیید یافت . مگردرمرحلهٔ ازجهادبه این خطا پی برده شد .

۱۱ـ ارتباط بین نظمهای جهادی مسلمانان در مناطق مختلف باهمدیگرطورلازم تأمین شده نتوانست .

۱۲ـ مجاهدین درین مرحله ازجهاد ، درمناطق خود ،ازنظم واحدجهادی برخوردار بودندوجهادبامعنی واقعی خود ، بافدای سرومال مسلمانان درراه خدا بود .

پس از مرحله یادشده ، مجاهدین دوباره از فرماندهی واحد برخوردار شده نتوانستند .

۱۳- مجاهدین درین مرحله از جهاد سه شعار ذیل را هدف خود میدانستند :

۱- اسلام دین ماست .

۲- افغانستان وطن ماست .

۳- آزادی حق ماست .

۱۴- اعزام جرگه ها از سوی دشمن در بین مجاهدین و اقوام در تولید نفاق و انحراف در بین مسلمانان مناطق مضر ثابت گردید و تأثیر سوء درا زمدت خود را در سالهای بعدی جهاد بیش از پیش نشان داد .

۱۵- دوره اول جهاد به کامیابی مسلمانان و شکست دشمن پیشرفت نمود و موجب گسترش جهاد در سراسر کشور گردید .

مرحله پس از تهاجم روسها :

روسها به افغانستان زمانی حمله نمودند که جهاد در سراسر کشور گسترش یافته بود و قطعات نظامی حکومت تره کی در پایگاههای خود و در جبهات یکایک به مجاهدین تسلیم میگردیدند . ستراتیژی دشمن مبنی بر سرکوبی برق آسای مجاهدین ناکام شد . در کنرها مجاهدین دشمن را در مراکز شهرها و پایگاههای عمومی داخل حلقه فشار قرار داده روز به روز حلقه محاصره را بر آن ها تنگتر میساختند . در کنر ها

نیز مجاهدین چندین بار در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ ه.ش. به مرکز ولایت حمله نمودند. بنا بر عللی که وانمود گردید حمله مجاهدین به مرکز ولایت به ناکامی روبرو شد. تأثیر این ناکامی در سیر جهادکنرها در از مدت بوده جبران آن، برای مجاهدین میسر نگردید.

روسها در ماه جدی سال ۱۳۵۸ ه.ش. به افغانستان حمله مسلحانه نمودند. این حمله دال برناکامی روسها بود، از روی پلانی که با پیش انداختن خلق و پرچم به مقصد عمل گذاشته بودند. روسها در طی این مدت مرحله اول، هر گونه تجارب عملی حرکات نظامی را در شرایط افغانستان به پایه تکمیل رسانیدند. روسها درین مرحله عملیات پلان خودرا از هر جهت آزموده و سنجیده بودند. حمله مسلحانه روسها به جهان نشان داد که کشور شوراها به هیچ وجه حاضر نیست که از مستعمره نمودن افغانستان فروگذاشت نمایند. روسها در پرتو تجارب عملیات نظامی مرحله اول خود، تاکتیک وستراتیژی را در مرحله دوم تعدیل بخشیدند. از روی موقعیت کنرها وساختمان اراضی و مقاومت مجاهدین عملیات را از لحاظ قدرت آتش وشکل حمله با تنوع وتزیید ارایه داشتند. در تاکتیک عملیات نظامی روسها سه عنصر ذیل را یک جا به کار بردند:

۱ـ حمله جبهوی در پیش و حمله کماندو به در عقب مجاهدین.

۲ـ به کار بردن هلیکوپترهای جنگی پ رفته به پیمانه وسیع.

۳ـ گسیل داشتن جرگه ها وجا بجا نمودن عناصر جاسوس در دهات وسنگرهای مجاهدین . این سه عنصر منحیث تاکتیک جدیددربین مجاهدین تأثیر منفی ودهشت انگیزی رابرای مدت نسبتا قابل ملاحظه نشان داد . چنانکه تأثیرناگوار هلیکوپترها بالای مجاهدین تا زمانی که ستنگر بدسترس فرماندهان مبارزین آزادیخواه ما،قرارنداشت بر دوام بود ، زیرا هلیکوپترهای جنگی بی دیوآسای روس ،ازیک سوبا داشتن قدرت آتش بیشتردهات را ویران مینمود از سوی دیگربا پروازهای پخش مجاهدین را درهرگونه ستر و اخفا موردا صابت آتش قرارمیدادواز سنگرها بیرون میراند یا درپناهگاهها وسنگرهای زیرزمینی پنهان میماندند و دشمن بدون خطرپیشرفت مینمود .

روسها درجنگ علیه مجاهدین غیرازسلاح اتومی دیگر هرگونه سلاح پیشرفته خودرا موردآزمایش قرارردادند .توپ های دورمنزل، خودکاروآتشزادارای قدرت تخریب بیشتر، راکتهای دارای نیروی ویران کننده دربرابر مجاهدین جه درسنگرها وجه دردهات به کاربرده شد . تاکتیک جنگی روس برپایه ازبین بردن دهات بحیث واحدهای جنبش آزادیخواهی ومحفوظ داشتن پایگاه وسنگرهای خود شان با فرش مینها وگذاشتن بمب دراطراف آن بود . در حملات به دره های کنرها همیش قوتهای کوماندویی راازهوا به مواضع حساس حتی درقلب دهات پیاده نمودند . هدف روسها ازچنین حملات این بودکه وقتی که مجاهدین خطر مستقیم

دستگیری فرزندان وناموس خودرا ازسوی دشمن ببینند ـ دهات را تخلیه‌خواهندنمودوبدین صورت مقاومت به‌شکست روبروخواهدشد . درعملیات پس ازتهاجم تاکتیک شبیخون وحملات چریکی به‌دهات بیشترگردید ، به‌خصوص درقسمتهای مختلف دره‌پیچ ، نورستان مرکزی، دره‌دیوه‌گل، باډیل، شنکوړی، دانگام ومرور ، روس درسالهای بین ۱۳۶۱ـ ـ ۱۳۶۵ ه‌.ش . ازین نوع تاکتیکهای جنگی خیلی کارگرفتند . ورزیده‌ترین جزوتامهای کماندویی راسوق دادند . همچوعملیات جنگی روس تاحدی موءثرواقع شد .مهاجرتهای زیادی ازدره‌های کنرها به‌سوی باجوړ ، دیروجندول صورت گرفت . دشمن عملیات نظامی خودرا بافعالیتهای سیاسی تقویه‌بخشید . عناصرشبکه‌کی.جی.بی. درمنطقه‌پس ازآشتی ملی، آتش بس،یک جانبه‌وگفت وشنودژنیوفعالیتهای سری وعلنی راآغازنمودند . درمناطق کنرها در درون دهات باتوزیع پول ودامن زدن به‌مسایل اختلاف بین خانواده ها ، عشایر ، قبیله‌ها وبین دهات حتی اقوام ، امنیت داخلی رابرهم میزدند . یک عده‌مشران در دره پیچ ، نورستان، باډیل، دیوه‌گل، اسماروداتگام در برابر حکومت دست نشانده‌انقیادنموده‌ودربین اقوام بادستور خاص شبکه‌کی.جی.بی. به‌فعالیتهای خودتشدیدبخشیدند . این عناصرپله‌بین دربین قوم ازهرگونه‌توطیه‌و دسیسه های جانی ومالی که‌منجربه‌خانه‌جنگی هم گردید دریغ نورزیدند . برای تشدیدبخشیدن جنگ دربین دهات به

توزیع سلاح پرداختند. این، نوعی ازعملیاتی بود که روس قبلا دربخارا، سمرقندوتاشکنددرآن سوی دریای آمودر (۹) جمهوریت مسلمان نشین به منصهٔ عمل گذاشته و نتایج قاطع ازآن، بدست آورده بود. عده‌ازروحانیون، مشران ومنورین مناطق نیزدرپهلوی شان، درین گونه فعالیتهای شوم وخاینانه‌سهم فعال ازخودنشان دادند. طورمثال فعالیت سروردگروال درمنطقه‌نورستان خطرناک ترین پلان روس درمنطقه‌بود. این پلان دارای چند هدف ذیل تواندبود:

- تشکیل قوت سرحدی، جهت مسدودساختن راه‌عبورو مرور مجاهدین به‌صفحات شمال کشور.
- تشکیل قوت شبه‌نظامی محلی، به‌منظورحمله‌عقبی علیه مجاهدین درکنرها ولغمان.
- تولیدنفاق وخانه‌جنگی درمناطق، با دامن زدن به مسایل ناموس، خون ومالکیت.

رفتن دگروال سروربه‌دره‌کامدیش نورستان و پایه گذاری یک دولت نام نهاددراین منطقه‌ونقل مرکزنظامی آن، به‌نورستان غربی زادگاه‌دگروال موصوف ازپروگرام های دقیق روس درمنطقه‌بود. این فعالیت شوم تا حدی پیش رفت. وسبب خونریزی درمنطقه‌گردید، مگرمجاهدین نورستان هرچه‌زودترعلیه‌این عمل شوم ونابود کننده دشمن برخاستند. درطی سالهای ۶۲-۱۳۶۶ هـ.ش. با مبارزه‌آشتی ناپذیر، پلان سروری را منهدم ساختندو عناصر

دشمن درحصه‌شا یلام دها نه‌نورستا ن مرکزی، دشمن به یک تاکتیک خطرناک دیگرتوسل ورزید. وآن فرستادن جرگه ها به‌اقوام وقریه‌ها بود، مجاهدین منطقه‌دربرابر همچو عملیات وخیم وتاکتیک های فتنه‌انگیزمتحیروسراسیمه نه‌شده، مرکزسازمان جها درا به‌نورستان مرکزی منتقل ساختند. همچنان جرگه‌های قومی را به‌هرسوگسیل داشتند. ازدره‌های مختلف ولایت کنرها دیوه‌گل، بادیل، شوریک، چپه‌درد، دردمزار، شنکوری، باروگی، گنجگل، مروره، شلتن، دانگام، دیووز، ساو، دره‌سین جرگه‌ها باهم دیدن کردند. مردم وفعالین جرگه، آتش‌سوزی قریه ننگلام وروش غیرانسانی دشمن را به‌چشم سردیدندوعمیقاً متأثرگردیده‌برافروخته‌شدند. جرگه‌ها درمرکز سازمان جهادی باهم پیمان بستندوفیصله‌به‌عمل آوردندکه علیه حکومت دست‌نشانده‌دهری به‌جهادمتوصل گردند. جرگه اعزامی دولت دست‌نشانده‌تره‌کی باناکامی برگشت.

درین هیاهوی وتجدیدسازماندهی وجابه‌جانمودن مهاجرین جهادبرای سه‌ماه‌متوقف گردید. پس ازسه‌ماه مجاهدین منطقه، جنگ علیه‌دشمن رادوباره‌آغازنمودند. مجاهدین دره، بالای علاقداری کلاحمله‌نموده‌آن را متصرف گردیدند، ازسوی دیگرراه‌اکمال دشمن بین ولسوالی و مرکز ولایت رادرنقاط حساس موردحملات پی درپی قرارداده قطعات مستقردرولسوالی را به‌پریشانی روبرو ساختند. جنگ درعلاقداری به‌نزدیک مرکزولسوالی دره‌پیچ رسید.

فریب خورده را خلع سلاح نموده به جزای اعمال شان رسانیدند. شکست این پلان بزرگ دشمن در منطقه یکی از پیروزیهای قابل یادآوری مجاهدین آن سرزمین، به شمار میرود، زیرا منشأ این فعالیت از مرکز بود. درجه دره، بادپیل، دیوه گل وا سمار ودا نگام حتی شلتن، شنکوری و شالی این شبکه گسترده فعالیت داشت. دشمن در پی عملیاتی جنگی خود، سدودساختن سرحد ولایت کنر را با شریک مساعی قوتهای شبه نظامی (ابلجاری) سبب بود. درین زمینه پروگرام دشمن تا حدی سبش رفته بود، مگر شکست دگروال سرور در منطقه نورستان پایه های شبکه کی.جی.بی. را در کنرها به لرزه در آورد. مجاهدین را بدان واداشت که برضد این شبکه در مناطق بادپیل ودیوه گل عملیات لازم به سر رسانند.

درپهلوی همچو مبارزه، مجاهدین در جبهه سیاسی علیه دشمن، با زهم موازنه قواء درساحه های جنگ تشویش کننده بود. چنین پیش بینی میگردید که تأثیر آن در روحیه مجاهدین و مسایل داخلی درده ها نیز عمیق ترخواهد شد. گرچه بحث در زمینه مقایسه قوای جنگنده یک جبز دوراز عقل به نظر میرسد، زیرا هیچ سوی آن، قابل مقایسه و مناقشه اوضاع نبود. با زهم عقل چنین حکم میکندکه مناقشه اوضاع باید صورت بگیرد، چیزی که قابل وصف است و ما آن را همیش از تاریخ به میراث گرفته ایم و به نسلهای آینده نیز به میراث خواهیم گذاشت داشتن عقیده تام مردم

افغانستان به دین حق، عشق به میهن و به ملت نامی خود کافی است وبس. همین عقیده بوده است که مردم ما در طول تاریخ دربرابر تجاوزگران جنگیده اند، هم اکنون درپیش چشمان ما، پوزهٔ تجاوزگران روسی را به خاک مالیدند.

مجاهدین درنتیجهٔ بمباردمان پیهم هلیکوپترها از ارتفاع کم وآتش باری پیهم ودوامدار توسط توپهای دورزن وتخریب کننده، درصددمقابله با آن گردیدند. موضوع ازسوی قوماندانهای مجاهدین موردبررسی ومناقشه قرارداده شد، فیصله به عمل آمدکه موضوع به مرکز سازمانهای جهادی پیشنها دگردد.

دسترسی مجاهدین به سلاحهای ضدهوایی وبه موشکهای دورمنزل ورهبری شده، اوضاع جنگ را درمنطقه دیگرگون ساخت. مجاهدین با میزایل وراکتهای دورزن وضدتانک به عین عمل متقابل پرداختند. پایگاههای نظامی و سیاسی دشمن درمنطقه موردتهدید مستقیم ازسوی مجاهدین واقع گردید، بحدی که تدارکات لوژستیکی دشمن از راه هوایی نیزبه شکست روبروگردیدقطعات دوروپایگاههای مستحکم دشمن ازین مدرک به شکل قابل ملاحظه مواجه ساخته شد. همچوسلاحهای پیشرفته برای مجاهدین از سال ۱۳۶۵ ه.ش. به این طرف تهیه گردید. این یک مقایسه قابل مناقشه دربررسی اوضاع جنگی ازجهت تأمینات مادی درساحه نبردبود. سلاح ستنگر دربرابر حملات هوایی

دشمن به ارتفاع کم به کاربرده شد، دشمن از ین ناحیه به تلفات مواجه گردید. به کاربردن میزایل علیه دشمن یک مقابله بالمثل بود، به این صورت مجاهدین دوباره به تقرب وحملات چریکی برضد پوسته های جلوی وپایگاههای مستحکم پرداختند. تاکتیک مجاهدین پس از حمله روس به افغانستان پس از یک برخورد به زودی دیگرگون گردید. فرماندهان منطقه، مجاهدین را به گروپهای چریکی خورد متشکل نمودند، درمرحله از جهاد کنرها به خصوص درسالهای ۱۳۶۵-۶۳ ه.ش. مبارزه شکل نفیرعام به خودگرفت، در هرجا وبه هر شکلی که با دشمن وعناصر دست نشانده دشمن رو بروگردید به قتال باید پرداخت. در دره شیگل، باڈیل و دیوه گل چندین برخورد به شکل نفیرعام به وقوع پیوست.

روسها برای افرادکماندویی وشبه نظامی دستور دادندکه با لباس مروج مناطق، به دره ها پراگنده شده هر جا مسلمانان را ببینند به قتل برسانند. همچو واقعات نیز رخ داد. مبارزه نفیرعام دررا ه طرد عناصرضدمسلمانان ازدره ها وروستاها موءثرواقع گردید، رفته رفته مبارزه ومقاومت مجاهدین درمناطق کنرها شدیدتروپیشرفته تر شد. با آشنایی بیشتر مجاهدین درکاربردسلاحهای ضد هوایی وزمینی آهسته آهسته وضع جنگ درمنطقه به سود مبارزین را ه آزادی به چرخیدن آغاز نمود. درنتیجه حملات متقابل مجاهدین برمواضع روسها وشبه نظامیان جیره خوار، پوسته های دفاعی وتحفظی دشمن یکی پی ازدیگر

منهدم گردیدند . روسها درطول دریا ی کنرها ودر دها نه ها ی دره ها ی فرعی به منظورا منیت را ه تدا رکا ت لوژستیکی وتقویه سیستم دفا عی قیچی وا ر درحدودبیش ا ز ۲۵۰ پوسته ها ومواضع مستحکم به وجودآ ورده بودند . برخی ا ز ین مواضع پس ا زپا یگا هها ی نظا می ا سما ربه درجه دوم ما هیت سترا تیژیک دا شت ا زقبیل پایگاههای شا بازی سودرو غنده ی وتپه نظامی تنر درنفس قریه کنرخا ص . عملیا ت متقا بل مجا هدین جهت ا زبین بردن پا یگا ه مستحکم به نا م سودرو در دره مرور . ودها نه شیگل وپا یگا ه مستحکم شا با زی در دره پیچ دشمن را بدا ین، وا دا شت که دربحرا ن ا فغانستان غیر ا زرا ه نظا می به طرق دیگری با یدتوسل جست . درپا یا ن مذا کره ژنیوخروج عسا کرشوروی ا زا فغا نستا ن در پا یا ن سا ل ۱۳۶۶ هـ.ش . آ غا زیا فت . ا ین ا قدا م هدفی را هم دربردا شت که به جها نیا ن نشا ن دهدکه حکومت دست نشا نده میتوا ندخودرا دفا ع نما یدوطرف پسندطبقه عا مه مردم ا فغا نستا ن میبا شد ، مگرکیفیت برعکس جلوه نمود .

کا هش عده ا زنیروی ۱۵۰۰۰۰ نفری روس در کشو ر ، پیشرفت مجا هدین را تسریع بخشیدودرحصص بیشتری ازکشور پیروزیها ی چشم گیرا زسوی مجا هدین صورت گرفت . یکی ا زپیروزیها ی مهم وقا بل عطف درجها دا فغا نستا ن فتح کنرها ا زسوی مجا هدین درآ غا زنیمه دوم سا ل ۱۳۶۷ هـ.ش . به شما رمیرود ، کنرها نخستین ولایتی بودکه آ زا دشد .

نتیجه و نظریه :

درباره مرحله دوم از جهاد کنرها میتوان نتایج ذیل را وانمود ساخت :

۱- در مرحله دوم دشمن در جهاد کنرها متوجه را هتدا رکات و مراکز جنبش جهاد در منطقه بود . به این منظور روسها خواستند از دیوانه با واقع درنورستان شرق تا خاص کنر ، همه گی حدود را درنقاط عبور و مرور مجاهدین از پاکستان به افغانستان مسدود ساخته ، مراکز جهادی دردهات و روستاهای دره ها را با حملات هوایی و زمینی از بین بردارند . تأسیس سیستم دفاعی قیجی وار ، سوق کماندوها و واردساختن هلیکوپترهای جنگنده و تشکیل قوت شبه نظامی از عناصر داخلی همه گی معطوف به این اهداف بود .

۲- عملیات جنگی دشمن با تشکیل جبهه پیشرو و عقب علیه مجاهدین از تاکتیک نوین روسها در مرحله دوم جهاد تصریح شده میتوانند .

۳- تولید بی امنیتی در مناطق مجاهدین از طرف دشمن با توزیع سلاح، پول وشبکه جاسوسی درین مرحله به پیمانه وسیعتر به کار برده شد .

۴- همه گی مانورهای سیاسی دشمن، جهت خاموش ساختن و پراگنده نمودن مقاومت مجاهدین از قدیل آشتی ملی ،

تشکیل جبهه پدروطن، آتش بس یک جا نبه‌وگفت و شنود ژسبوتا نیر موردنظر دشمن را درصف مجاهدین منطقه‌بار آورده نتوانست .

۵ـ حملات شبیخون، سیستم دفاع قیچی وا روگسیل داشتن قوتهای شبه‌نظامی ... سردا خلی چون ابلجاری ها و پیش آهنگان و ... سوسان به‌نام جرگه‌ها ... تا حدی تأثیر منفی در ... ومت مجاهدین بار آورد .

۶ـ ولایت کنرها بـ ... موجودیت اقوام مستقل، متسا ... داشتن درک و ... کافی از برخوردهای داخلی بین احزاب مصئون ما ... .

۷ـ دشمن درپلان وستراتیژی خودمبنی برمسدود نمودن سرحدوفرونشاندن واحدهای جنبش در دره‌های کنر ها کامیابی به‌دست آورده نتوانست .

۸ـ هنگامی که به‌مسیر منحنی جهاد د مرحله‌دوم، نظر دقیق بیافگنیم چنین دیده میشودکه مسیر منحنی حالت تدریجی نداشته وتفسیر بیشتردرین موردقبل از وقت وبیش ازگنجایش نتیجه‌گیری این گزارش میباشد .

۹ـ دسترسی مجاهدین به‌سلاحهای ضدهوایی وموشکهای دور زن ورهبری شده ، محاسبه‌را درساحه‌نبرددیگر گون ساخت .

۱۰ـ مقاومت مجاهدین باوصف ... بیق هرگونه‌چال ونیرنگ، وکاربردسلاحهای گوناگون ارسو... دشمن به‌هیچ صورت از بین نرفت ، برعکس تشدیدیافت . پس این مقاومت

خسته‌گی ناپذیر مجاهدین بودکه شکست روسها را بار آورد .

نگاهی به آینده :

من همیشه دراین خصوص ، خیلی اندیشیده ام که چگونه میتوان درپرتوسیرجهاد درکنرها نظری به آینده افغانستان ارایه داشت . پرسش مهم دراین است که جنبه های گوناگون جهاددرکنرها ، به همه‌گی ساحات جهاد در کشورتمثیل شده میتواند یا نه؟ زیرا درتحقیق یک موضوع اگرنمونه‌گیری موردبحث باشدپس لازم است که شما روساحه نمونه به‌حدی باید باشدکه موضوع را تمثیل نموده بتواند تا دراراپه نتایج موردتدقیق نادرستی ظهورننماید با نظرداشت این، اظهارنظربه آینده بنابرکمبودی و حتی نداشتن مواردومعلومات کافی راجع به‌چگونه‌گی سیرجهاد درتمامی گوشه وکنارکشورقبل ازوقت برده ، مقرون به حقیقت وانمودشده نمیتواند . پس چه باید گفت ؟ چه پیش بینی باید ارایه داشت ؟

هنگامی که‌هنوزما ، درصحنه جهادقرارداریم بحران افغانستان چهرهٔ پیچیده‌ترین مسایل جهانی را به خود گرفته است . ملت افغانستان تاکنون ازداشتن رهبری واحددرساحه جهادبرخوردارنیست وبازیجه‌قرارگرفتن سرنوشت ملت افغانستان ناشی ازنداشتن رهبری واحد بوده برخاسته ازاراده مردم آن سرزمین هم نیست .

ده سال جنگ برای افغانستان خسارات وضایعات مصیبت باری همراه داشته است. این ضایعات چه از سوی دشمن وچه از سبب درگیریهای درونی بین تنظیمها که ناشی از عدم هماهنگی وموجودیت رهبری واحد میباشد، بر این کشور تحمیل گردید. درهرحال، جهاد مردم افغانستان یک جهاد واقعی وبا تمام معنی اسلامی وملی است. اسلام و ملیت را درجهاد افغانستان با همدیگر منافی وحتی متضاد قرار دادن خدمت به بیگانگان است. دشمنان اسلام چون امپریالیزم، کمونیزم وصهیونیزم برای سرکوبی عالم اسلام مساعی به خرچ میدهند تا اسلام را علیه ملت ومفهوم ملیت را برضد اسلام وانمود سازند، زیرا میدانند این دو مفهوم به معنی واقعی خود علیه دشمنانش قرار دارد.

دشمنان اسلام، تب وتلاش زیاد میورزند که در جهان اسلام دربین ملتهای اسلام عناصری پیدا کنند که در بین مسلمانان حتی درداخل یک ملت واحد کشور نفاق تولید نمایند وبر سر مفاهیم ساخته وپرداخته خودشان، به جان یک دیگر بیافتند، چه جای تأسف است افراد ملت که دارای یک خدا، یک کتاب، یک پیامبر ویک کشور واحد باشد یک دیگر را تکفیر نمایند وبه جان یک دیگر بیافتند. نباید فکر نمود که این گفته به کمونیستهای داخلی گماشته روسها نیز شامل است. من، سخن از ملتی میزنم که در برابر خونخوارترین دشمن جهان اسلام وبشریت برخاسته است. این ملت از سوی کسانی رهبری میشود که هرگز توفیق نمیابند

JEHAD IN KUNARS

BY

DELAWAR SAHARI

سلسله نشرات وفا ۴۹۰

که وحدت رهبران خودتاً مبین نمایندوا ... ملت به حیات سرنوشتی روبرو گردیده که نمیتوا ندا راده ... اظهار نما بدو در راه سرنوشتش نقشی داشته باشد. این پرسش بجاست اگر پرسیده شود رهبران سازمانهای جهادی در طی این ده سال چرا نتوانستند که زیر یک سازمان واحد اسلامی وحدت نموده رهبری جامعه افغانستان را بدوش داشته باشند؟ در حالیکه چنگ زدن به رشته وحدت به مثابه عمل نمودن به جهان بینی توحیدی است. در پیش گرفتن راههای متفرق مستلزم پیروزی در مبارزه نیست، گفته میشود که همه تنظیمهای جهادی یک هدف دارند و راههای مختلف به آن هدف رهسپار میباشند. این کلمات آن طوری که دلنشین نیست مطابقت به اوضاع هم ندارد، سخنانی است فریبنده وساخته شده.

بلی جهاد درکنرها در وضع فعلی درحالتی به پیروزی رسیده که ما، هنوز در نفاق و عدم وحدت قرار داریم. جهاد در افغانستان در فرصتی به مفاد مجاهدین سیر مینماید که ملت مجاهد افغانستان، خطر ناکترین نفاقی که عمیقترین رخنه در بنیهٔ وحدت ملت تولید مینماید.

پس برای ما، مشکل به نظر میرسد که بگوییم کشتی نجات ما، درین دریای متلاطم ناشی از طوفانهای وخیم و تباه کن از سوی کسانی به سوی ساحل رانده میشود که همه گی شان برای نجات یک دل و یک نظر دارند.

ازقسمت عقب جبهه مجاهدین ازدره دیووزتا مرکزولسوالی قوه اعزامی دشمن را درنقاط حساس چون وته پور، پیرونی، واگ، تنتیل موردحمله شدیدقرارداده او تدارکات را بندساختند. مانوگی، دردوقسمت موردمحاصره واقع گردید. مجاهدین درپلان حرکات خودعلیه دشمن ازمنطقه خانگار گرفته تا بوتی کوندبه فاصله ۳۰ کیلومتردردوطرف دریای دره پیچ ودره دیووزقطعات وتدارکات را مورد تهدید و حملات قرارداد دند. جنگهای تنتیل، بوتی کوند، سره مرغه پیرونی ازجنگهای خونین درطول زمستان سال ۱۳۵۷هـ.ش. دردره موصوف میباشد، درین فرصت دشمن قتل عام مردم را به راه انداخت.

درآغازسال ۱۳۵۸ هـ.ش. درمنطقه، جنگ به مفاد مجاهدین بپه سررسید. دشمن نخست درتهنتیل سپس در سره مرغه، عقب رانده شد. درآغازماه حمل سال ۱۳۵۸ پس از جنگ وحمله محاصروی مجاهدین درقسمت وته پور، پیرونی در ۳ الی ۵ کیلومتری مرکزولایت یک غندبه شکست فاحش مواجه ساخته شد، وبرای نخستین بارمجاهدین، سلاحهای سبک، راکت، هاوان وتوپ بتریه را با مهمات فراوان ازدشمن به غنیمت گرفتند. درآغازجنگ مجاهدین تنها به شمارمحدودتفنگ های ۳۰۳ بُرمجهزبودند، متعاقب فتح پیرونی ومانوگی، مرکزولسوالی دره پیچ نیزسقوط نمود. مجاهدین مرکزسازماندهی جهاد راازدهانه نورستان مرکزی به وته پوردرپنج کیلومتری مرکزولایت تبدیل نمودند.

درطول زمستان وتیرماه سال ۱۳۵۸ بین دشمن ومجاهدین جنگهای متعددجهت محاصره مرکزولایت وحمله به مرکز موصوف به وقوع پیوست. شکست دشمن دردره پیچ ودسترسی مجاهدین به سلاحهای روسی مرحله تازه درنبردعلیه دشمن درمنطقه بود. قدرت لایزال وشکست ناپذیر کمونیزم که گماشتدگان کابل به آن، مدعی بودندبه رسوایی کشانیده شد. مرکزجهادمجاهدین دروته پورشکل مرکزیت به سویه ولایت گرفت. ازسلاحهای غنیمت گرفته شده به دیوه گل، پنجشیر، بدخشان وحتی به لغمان هم داده شد. درطول سال ۱۳۵۸ دوبارمجاهدین به داخل مرکزولایت داخل شده عملیات به سر رسانیدند، مگربنابرعدم پلان درست وارتباط با دیگرجبهات ازطرف روزمجبوربه ترک آن گردیدند. حمله اخیرمجاهدین به مرکزولایت تحت قوماندانی دگروال عبدالرؤف خان قوماندان آن وقت اسمار، که تازه با یک عمل انقلابی خود، با تمام پرسونل وسلاح وتجهیزات به مجاهدین پیوسته بود، صورت گرفت. متأسفانه این حمله دراثرنفوذافرادحزبی واعمال کی،جی،بی، دردرون جنبش، که خودرا درلباس مجاهدین جازده بودند، به ناکامی انجامید وعده یی بسیاری ازمجاهدین با فرمانده خودجام شهادت نوشیدند.

درپایان سال ۱۳۵۸ حمله وحشیانه روس به افغانستان رخ داد. متعاقبا " قوه زیادبه کنرها سوق داده شد. روس ها ازموقعیت کنرها ازلحاظ داشتن ارتباط با پاکستان،

نزدیکی با چین وسرآغاز جهاد درکشور به‌خوبی مطلع بودند، آن ها در نظر داشتند که هرچه زودتر سر حد دیورند را مسدودساخته‌جنبش را به‌زودی خاموش سازند. درماه ثور سال ۱۳۵۹ حمله‌شدیدوگسترده به عمق دره‌پیچ براه انداخته شد. درقسمت منا گی وبارکندی به‌صورت متفرق دردره‌های فرعی برخوردشدیدباقوه روس صورت گرفت که دراثرآن مجاهدین به عقب نشینی وادا شته‌شدند. بناء مجاهدین ناچار مرکزجهادرا درشا یلام انتقال دادند. ودشمن دوباره در مانوگی وننگلام مستقرگردید. درسال ۱۳۶۲ مجاهدین بالای دشمن حمله‌برده‌آن هارا ازین مواضع مستحکم به‌عقب راندند. دشمن مدتی دربارکندی بودودرسال۱۳۶۳ قوت خودرا دوباره‌به‌وته‌پورعقب کشید. دشمن درعملیات نظامی خود،این بارستراتیژی وتاکتیک جدیدخویش را به‌کاربرد. اسمار ومرکزولایت را پایگاه ستراتیژی قرارداد. روسها حمله‌را به‌صورت جبهوی ازپیشروی وشکل کماندویی وچر ـ یکی راازراه‌هوادرعقب مجاهدین ودرنقاط بلندوحساس پیش بردند. کم وبیش دردیگرجبهات کنرها نیز عین تاکتیک وعملیات به‌کارگرفته‌شد. قوتهای کماندویی و جبهوی روسها درسال ۱۳۶۵ ه.ش. حمله‌دیگری راکه‌مصادف با ماه‌مبارک رمضان بودبه‌عمل آورد. درقسمت پنجیگل دره‌پیچ ودرنهایت درخوگودداز آن جا به‌نام سپین کت درنورستان وسطی به‌مقاومت شدیدبرخورد. این ورزیده ترین قوت کوهی روس درنتیجه‌برخوردخونین با مجاهدین

با دادن تلفات زیاد شکست خورده و ناکام به مرکز برگشت. دشمن در عملیات خود، یک تاکتیک قوی دیگری را نیز به کار بست. افرادخاین از ملیشیایی منطقه را با خود گرفته با جزوتامهای متحرک وفعال درنیمه‌شب با راه‌پیمایی به پوسته‌های جلوی مجاهدین وقریه‌های دوروپیش حمله ور گردید. آن ها درنظر داشتندکه منطقه را به‌کلی از مردم پاک سازندودربین مردم ومجاهدین نفاق تولیدنمایند. برای مردم گفتندکه با مجاهدین جنگ کنید در منطقه‌خود، نگذاریدکه مرکزوپوسته بسازندیا شما، منطقه را ترک‌کنید. با این ملاحظه روسهاموضع مستحکم‌شابازی رابه‌وجودآوردندکه از یک سونظارت تام به‌منطقه‌داشته باشندوازسوی دیگر با سلاحهای دورمنزل وهلیکوپترها مناطق ودهات را هر آن موردگلوله‌بازی قرارداده بتوانند.

سالهای ۱۳۶۶ هـ.ش. ونیمه‌اول سال ۱۳۶۷ نیز به حملات چریکی متقابل گذشت ودشمن‌باکاربردهرگونه‌چالهای نظامی پیروزی به‌دست آورده‌نتوانست وبدوهدف سترا- تیژی خود، که‌ذکرگردیدناکام ماند. دشمن درطول سال های ۱۳۶۷-۱۳۵۹ چندبارجرگه‌ها را به‌نورستان سوق داد. برخی ازین عناصردوباره‌به‌کابل نرفتند. وبرای عملی نمودن دساتیرداده‌شده‌دربین قوم دردهات به لباس مجاهدین مانده‌درتولیدنفاق وظهورسروردگروال نقش عمده‌بازی کردند. نورستان مرکزی وتنظیمهای جهادی درمنطقه‌درین سالها درراه‌طردوجلوگیری فعالیت خطیر

دگروال سرورفعالیتهای خستگی ناپذیر بهانجام رساندند دگروال موصوف وظیفه‌داشت که‌را ه‌تدارکات صفحات شمال را درقسمت پارون مسدودسازدوباتشکیل یک قوه‌عقبی جهاد را درکنرها ولغمان سقوط دهد. این پلان کی،جی،بی، هم درنتیجه‌هوشیاری وهماهنگی مجاهدین ناکام ساخته شد. متصل به‌این، آتش بس یک طرفه‌وصلح ملی نجیب که پس ازببرک کارمل قدرت را به‌دست گرفته‌بودنیزخنثی گردید. گماشته‌گان دشمن دردهات پلان کی،جی،بی، را پیش برده نتوانستندمگرتأثیرسوء وعمیق درجامعه‌نورستان ازخود بجاگذاشتند. تولیدخونریزی، چپاول ناموس وتنازع به خاطرچراگاهها دربین دهات ازوظایف این جاسوسان مستقر دردهات بودکه‌دامن زدند.

نیمه‌دوم سال ۱۳۶۷ سال کامیابی مجاهدین در ولایت کنرها بود. مجاهدین درماه‌سرطان بروته‌پور حمله برده‌دوپوسته‌رااز میان برداشتند. درماه سنبله‌بر موضع مستحکم شابازی حمله‌ورشده‌پس ازجنگ خونین و شهادت موضع ستراتیژیک دشمن را سقوط دادند. فتح موضع ستراتیژیک دشمن ازسوی مجاهدین موقعیت مرکز ولایت را متزلزل ساخت. دوروزبعداً زوته‌پورنیزنیروی دشمن به عقب گریخت.

درماه‌میزان سال ۱۳۶۷ هـ.ش. مجاهدین ترتیب حمله‌برمرکزولایت را داشتندزیرا اسمار وخان غندی ازسوی مجاهدین دره‌اسمار ودره‌مرورکشوده‌شده‌بود. دشمن در



دلاور سهری

جهاد در کنرها

۱۳۶۸

جهاد در کنرها
دلاورسهری
نشرکردهٔ اتحادیه نویسنده‌گان افغانستان آزاد
شماره (۴۱)
دسمبر ۱۹۸۹ م
جدون پریس ، پشاور

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

به پا خاستن مردم افغانستان علیه رژیم دنباله رو مارکسیزم در کشور وخاصتا دربرابر تهاجم مسلحانه روس بر میهن عزیز ما از جمله خونین ترین مبارزه در راه آزادی درجهان بشمار میرود. قربانیهای جانی و مالی مردم آزادیخواه افغانستان دربرابر تهاجم وحشیانه روس انسان را درحدود بررسی های امروزی به حیرت وامیدارد. راجع به توانایی نیروی مبارزه مجاهدین افغانستان دربرابر دشمن هولناک جز ازحس ملیت پروری وعقیده به اسلام انگیزه قابل بحث دیگری سراغ شده نمیتواند. به این باید معترف بود که اسلام و ملیت دو عامل مثبت و بنیادی نقش فراموش ناشدنی را در تاریخ این ملت آزادی خواه بیادگار گذاشت. قیام ملت افغانستان در هرگوشه و

کنارکشوردارای جنبه های خاص وجهت های سازنده در توجیه جهاد به مسیرهدف دیده میشود. گزارش و تحلیل پیرامون همچومبارزه خونین آزادی بخش وسپردن آن به آگوشهٔ که به وقوع پیوسته وبه مسیری که رهبری شده وبه نتیجهٔ که منجر میگرددبه نسلها ی آینده، بدوش هردانشمند واهل قلم این سرزمین ما بشمار میرود. درتحلیل و بررسی های جهادکنونی افغانستان نبایدازمعیارها ی عندی وغرض آلودکارگرفت. ما باورکامل داریم که عشق بهآزادی وعقیده به اسلام دوعامل زیربنا درمبارزه خونین مردم افغانستان علیه سوسیال امپریالیزم روس چون ستاره قطب برای همیشه درآسمان کشورعزیزما خواهد درخشید.

درین گزارش راجع به جهاددرکنرها بیشتر ازخاطره های جریان جنگ علیه دشمن کارگرفته شده وباین خصوص توجه مبذول گردیده که رویدادها ی جنبش علیه دشمن از منشأ آن تشریح گردد. درباره مناقشه اوضاع دردو مرحله درخورتوان اظهارنظر به عمل آمد. درین شکی نیست که این رساله یک گزارش ناچیزازیک جنبش وقربانی عظیم است. من ازمؤسسه نویسندهٔگان آزادکشوربه مناسبت نشراین رساله وکمک لازم دراصلاح وتألیف آن سپاسگزارم.

سهری